

فهرست

بخش اول (کلیات)

پایه دهم

- درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی ۸
درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار ۱۳
درس‌های سوم و چهارم: کالبدشکافی متن (شعر و نثر) ۲۰

بخش دوم (عروض و قافیه)

پایه دهم

- درس دهم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی ۲۶
درس دوازدهم: قافیه ۳۱
درس‌های یازدهم و سیزدهم: هماهنگی پاره‌های کلام - وزن شعر فارسی ۴۱

پایه یازدهم

- درس دوم: پایه‌های آوایی ۵۸
درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱) ۶۶
درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲) ۷۸
درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی ۹۲

پایه دوازدهم

- درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان ۱۰۲
درس پنجم: اختیارات شاعری (۱): زبانی ۱۲۲
درس هشتم: اختیارات شاعری (۲): وزنی ۱۳۸
درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی / نام‌گذاری وزن‌ها ۱۵۳

بخش سوم (آرایه‌های ادبی)

پایه دهم

- درس چهاردهم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ۱۷۳
درس پانزدهم: سجع و انواع آن ۱۷۹
درس شانزدهم: موازنه و ترصیع ۱۸۵
درس هفدهم: جناس و انواع آن ۱۹۱

پایه یازدهم

- درس سوم: تشبیه ۲۰۱
درس ششم: مجاز ۲۱۲
درس نهم: استعاره ۲۲۰
درس دوازدهم: کنایه ۲۳۱

پایه دوازدهم

- درس سوم: مراعات‌نظیر، تلمیح و تضمین ۲۳۶
درس ششم: لفظ و نشر، تضاد و متناقض‌نما ۲۴۶
درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب ۲۵۶
درس دوازدهم: حسن آمیزی، حسن تعلیل و اسلوب معادله ۲۶۷

بخش چهارم (سبک‌شناسی)

پایه دهم

- درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام ۲۸۰
درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی ۲۸۴
درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی) ۲۹۲
درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم ۳۰۳
درس نهم: سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی) ۳۱۰

پایه یازدهم

- درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷، ۸ و ۹ ۳۱۶
درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۷، ۸ و ۹ (سبک عراقی) ۳۲۵
درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ ۳۳۲
درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی) ۳۳۹

پایه دوازدهم

- درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های ۱۲ و ۱۳ (دوره بازگشت و بیداری) ۳۴۸
درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۲ و ۱۳ (دوره بازگشت و بیداری) ۳۵۹
درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن ۱۴ (دوره معاصر و انقلاب اسلامی) ۳۶۶
درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی ۳۷۸

بخش پنجم (مفهوم و قرابت معنایی)

پایه دهم

- مفهوم و قرابت معنایی ۳۸۹

پایه یازدهم

- مفهوم و قرابت معنایی ۳۹۵

پایه دوازدهم

- مفهوم و قرابت معنایی ۴۰۵

- پاسخ‌نامه تشریحی ۴۱۰
کنکور سراسری ۹۸ ۵۳۵
پاسخ‌نامه کلیدی ۵۴۸

قافیه

چون درس ۱۲ مقدمه‌ای بر درس ۱۱ هست و از طرفی، مباحث درس‌های ۱۱ و ۱۲ به هم وابسته است، اول درس ۱۲ رو می‌آریم و بعد می‌ریم سراغ درس‌های ۱۱ و ۱۳ ...

وزن و تأثیر آن در زیبایی شعر

- «شعر» سخنی خیال‌انگیز، موزون و سرشار از عاطفه و احساس است.
- وزن ← به شعر زیبایی می‌بخشد و آن را شورانگیز و اثرگذار می‌سازد.
- اگر وزن شعری را به هم بزنیم: ۱) زیبایی و شورانگیزی‌اش را تا حد زیادی از دست می‌دهد. ۲) از زیبایی و تأثیر آن کاسته می‌شود. به این مثال‌ها نگاه کن:

- مثال ۱** آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد مژده دهید باغ را، بوی بهار می‌رسد
- + اگر وزن این شعر را به هم بزنیم و کلماتش را جابه‌جا کنیم، زیبایی و شورانگیزی‌اش را از دست می‌دهد؛ به این صورت:
- هین، راه را آب زنید که نگار می‌رسد باغ را مژده دهید بوی بهار می‌رسد
- مثال ۲** دانه چو طفلی است در آغوش خاک روز و شب این طفل به نشو و نماست
- + اگر وزن این بیت را به هم بزنیم و کلماتش را جابه‌جا کنیم، زیبایی و شور اولیه‌اش را از دست می‌دهد؛ به این صورت:
- دانه چو طفلی در آغوش خاک است این طفل روز و شب به نشو و نماست

قافیه

واژه‌های هم‌آهنگ و غیرتکراری پایان مصراع‌ها و ابیات است که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشد؛ **ضمن این‌که**: به حرف یا حروف مشترک آخر واژه‌های قافیه، «حروف قافیه» گفته می‌شود.

- مثال ۱** ای چشم تو دلفریب و جادو در چشم تو خیره چشم آهو
- + واژه‌های هم‌قافیه: جادو، آهو / حروف قافیه: مصوت بلند «و»
- مثال ۲** نامدگان و رفتگان از دو کرانه جهان سوی تو می‌دوند هان، ای تو همیشه در میان!
- + واژه‌های هم‌قافیه: جهان، میان / حروف قافیه: ان
- مثال ۳** عشق او باز اندر آوردم به بند کوشش بسیار نامد سودمند
- + واژه‌های هم‌قافیه: بند، سودمند / حروف قافیه: دَ ند

تأثیر قافیه در زیبایی شعر

قافیه: یکی از لوازم و ضروریات شعر است که - در کنار وزن، تخیل و عاطفه - بر زیبایی شعر و به ویژه بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید؛ به گونه‌ای که: اگر قافیه بیت را تغییر دهیم و کلمه دیگری را جایگزین آن کنیم، بیت، زیبایی و خوش‌آهنگی اولیه‌اش را از دست می‌دهد و ضرابهنگ موسیقایی و طنین پایانی سخن هم از بین می‌رود.

- مثال** یارب! سببی ساز که یارم به سلامت بازآید و برهانم از بند ملامت
- + با تغییر دادن قافیه، زیبایی و خوش‌آهنگی بیت از بین می‌رود؛ به این صورت:
- یارب! سببی ساز که یارم به سلامت بازآید و برهانم از بند غریبی
- پس «قافیه»، تا حد فیزیکی زیادی توی موسیقی و آهنگ کلام تأثیر داره.

ردیف

کلمه یا کلماتی است که پس از واژه‌های قافیه، عیناً در یک لفظ و معنی تکرار می‌شود.

- مثال ۱** شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد
- + ردیف: باشد / واژه‌های قافیه: دراز، باز / حروف قافیه: از



مثال ۲ من خلق شدم تا که پریشان تو باشم دیوانه و سرگشته و حیران تو باشم

+ ردیف: تو باشم / واژه‌های قافیه: پریشان، حیران / حروف قافیه: ان

مثال ۳ سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آن‌چه خود داشت، ز بیگانه تمنّا می‌کرد

+ ردیف: می‌کرد / واژه‌های قافیه: ما، تمنّا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا»

مثال ۴ غمت در نهان‌خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

+ ردیف: نشیند / واژه‌های قافیه: دل، محمل (مهد، کجاوه) / حروف قافیه: ـل

نکته ۱

وجود «قافیه» در شعر، الزامی اما وجود «ردیف»، اختیاری است؛ به عبارتی: ممکن است شعری «ردیف» نداشته باشد؛ که در این صورت، آخرین واژه‌های هم‌آهنگ مصراع‌ها و ابیات که حرف یا حروف پایانی‌شان مشترک باشد، واژه‌های قافیه به شمار می‌روند.

مثل تمام نمونه‌هایی که برای «قافیه» آورده بود، یا این بیت:

مثال چنین داد پاسخ فریدون که تخت نمآند به کس جاودانه نه بخت

+ ردیف: ـ / واژه‌های قافیه: تخت، بخت / حروف قافیه: ـ خت

نکته ۲

«شُت» مخفف «است»، اگر بعد از واژه‌های قافیه که به مصوّت بلند «ا» و «و» ختم شده‌اند بیاید، «ردیف» به شمار می‌رود؛ مانند: «شُت» در پایان واژه‌هایی چون «برپاست، رواست، بلاست، ماجراست ... نیکوست، بدخوست، آهوست، اوست و ...»؛ اما: نباید واژه‌هایی مثل «خاست (= برخاست)، کاست، راست (: درست، مستقیم)، ماست ... دوست، پوست و ...» را از این دسته شمرد، زیرا «شُت» در این واژه‌ها جزء اصلی واژه است و مخفف «است» نیست.

مثال سلسله موی دوست حلقه دام بلاست هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

+ ردیف: شُت (= است) / واژه‌های قافیه: بلا، ماجرا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا»

نکته ۳

گاه واژه قافیه در یکی از مصراع‌ها یک‌جزئی (ساده) و در مصراع دیگر، دوجزئی (مرکّب یا مشتق) است؛ در این صورت: واژه مرکّب یا مشتق، به صورت یک‌جا واژه قافیه است و با واژه قافیه در مصراع دیگر، هم‌قافیه می‌شود.

مثال ۱ نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

+ ردیف: خواهد شد / واژه‌های قافیه: مشک‌فشان (واژه مرکّب)، جوان / حروف قافیه: ان

مثال ۲ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز؟!

+ ردیف: ـ / واژه‌های قافیه: باز، بنده‌نواز (واژه مرکّب) / حروف قافیه: از

مثال ۳ در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد

+ ردیف: شد / واژه‌های قافیه: بی‌گاه (واژه مشتق)، همراه (واژه مشتق) / حروف قافیه: اه

نکته ۴

گاه واژه‌های قافیه با هم «جناس تام یا همسان» دارند؛ یعنی: از نظر تلفّظ و نوشتار، یکسان ولی در معنا متفاوت‌اند؛ بنابراین نباید آن‌ها را به اشتباه «ردیف» به شمار آورد؛ زیرا شرط وجود ردیف در شعر این است که واژه‌های ردیف، هم ظاهر و هم معنای یکسان و مشابه داشته باشند (عیناً در پایان مصراع‌ها تکرار شوند).

مثال ۱ هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو ذکرش همه این است که گم گشته دلم کو

+ ردیف: ـ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): کو (کوچه، محله)، کو (کجاست) / حروف قافیه: مصوّت بلند «و»

مثال ۲ غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش

+ ردیف: ـ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): خویش (خویشاوند)، خویش (خود) / حروف قافیه: یش

مثال ۳ ز هر ناحیت، کاروان‌ها روان به دیدار آن صورت بی‌روان

+ ردیف: ـ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): روان (رونده و جاری)، روان (روح و جان) / حروف قافیه: ان

قواعد قافیه

حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه، تابع ۲ قاعده است؛ به این معناکه: تمامی واژه‌های قافیه، براساس ۲ قاعده کلی ساخته می‌شوند؛ به این صورت:

قاعده ۱: هر یک از مصوّت‌های بلند «ا» و «و» به تنهایی، اساس قافیه (حروف مشترک در واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرند؛ به عبارت ساده‌تر: بر طبق این قاعده، واژه‌های قافیه به مصوّت بلند «ا» و «و» ختم می‌شود.



مثال ۱ آمدی جانم به قربانت، ولی حالا چرا؟! بی وفا! حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟! ➤

➤ ردیف: چرا / واژه‌های قافیه: حالا، پا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال ۲ کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟! کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟! ➤

➤ ردیف: کنم تو را / واژه‌های قافیه: تمنا، پیدا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال ۳ یار بد مار است، هین بگریز از او تا نریزد بر تو زهر آن زشت‌خو ➤

➤ ردیف: / واژه‌های قافیه: او، زشت‌خو / حروف قافیه: مصوّت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

قاعده ۲: یک مصوّت (چه مصوّت کوتاه «ا، ی، و» یا یک یا دو صامت پس از خود، اساس قافیه (حروف مشترک در واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرد؛ به عبارت ساده‌تر: واژه‌های قافیه به «یک مصوّت + یک یا دو صامت» ختم می‌شود؛ به این صورت: «مصوّت + صامت» یا «مصوّت + صامت + صامت».

مثال ۱ به خودم آمدم انگار تویی در من بود این کمی بیشتر از دل به کسی بستن بود ➤

➤ ردیف: بود / واژه‌های قافیه: من، بستن / حروف قافیه: ن (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۲ ای منتخب ناز دلم! صبح به خیر ای دلبر ممتاز دلم! صبح به خیر ➤

➤ ردیف: دلم صبح به خیر / واژه‌های قافیه: ناز، ممتاز / حروف قافیه: از (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۳ نکونام و صاحب‌دل و حق‌پرست خط عارضش خوش‌تر از خط‌دست ➤

➤ ردیف: / واژه‌های قافیه: حق‌پرست، دست / حروف قافیه: ن (مصوّت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۴ کسی دانه نیک‌مردی نکاشت کزو خرمن کام دل برنداشت ➤

➤ ردیف: / واژه‌های قافیه: نکاشت، برنداشت / حروف قافیه: ش (مصوّت بلند + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

نکته ۱

«و» در واژه‌هایی مانند «جو، نُو (جدید)، زو (برو)، دُو (دویدن)، دُور (گرددش)، جُور (ستم)، فردوس، جلو، شوق، ذوق، حول (پیرامون)، قول (گفتار)، موج، اوج و ...» به صورت «و» (مصوّت کوتاه «و» + صامت «و» معادل: ow) تلفظ می‌شود؛ یعنی «و» در این واژه‌ها «صامت» است؛ بنابراین اگر این واژه‌ها و نظایرشان واژه‌های قافیه باشند، قاعده ساخت قافیه در آن‌ها قاعده ۲ خواهد بود.

مثال مزرع سبز فلک دیدم و داس مه‌نو یادم از کشته خویشت آمد و هنگام دزو ➤

➤ ردیف: / واژه‌های قافیه: نو، دزو / حروف قافیه: ن و (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

نکته ۲

پیشوند و پسوند اگرچه واژه نیستند، اما می‌توانند به تنهایی واژه قافیه قرار گیرند.

مثال ۱ دلم جز مهر مهر و یان طریقی بر نمی‌گیرد ز هر در می‌دهم پندش، ولیکن در نمی‌گیرد ➤

➤ ردیف: نمی‌گیرد / واژه‌های قافیه: بر، در (هر دو پیشوند فعلی‌اند) / حروف قافیه: ر (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۲ بر سر آنم که گر ز دست بر آید دست به کاری زخم که غصّه سر آید ➤

➤ ردیف: آید / واژه‌های قافیه: بر (پیشوند فعلی)، سر / حروف قافیه: ر (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۳ معنی فاصله ها چیست؟ برایم بنویس درد این واژه‌سرا چیست؟ برایم بنویس ➤

➤ ردیف: چیست؟ برایم بنویس / واژه‌های قافیه: ها (پسوند)، واژه‌سرا / حروف قافیه: ص (مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

نکته ۳

اگر قبل از حروف اصلی قافیه - که طبق ۲ قاعده کلی (قاعده ۱ و قاعده ۲) ساخته می‌شوند - حرف یا حروف دیگری هم مشترک باشد، آن‌ها جزء حروف قافیه به شمار نمی‌روند.

مثال ۱ بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند ➤

➤ ردیف: می‌کند / واژه‌های قافیه: شکایت، حکایت / حروف قافیه: ن (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲) [حروف «پ» کایت» ظاهراً بین واژه‌های قافیه، حروف مشترک است؛ اما فقط «ت» را حروف قافیه به حساب می‌آوریم؛ به عبارتی، حروف «پ» کایت» جزء حروف اصلی قافیه نیستند؛ چرا که طبق قاعده ۲» در قافیه‌سازی، حروف قافیه باید طبق یکی از این دو ساختار باشد: «مصوّت + صامت» یا «مصوّت + صامت + صامت».]

مثال ۲ چشم بدت دور ای بدیع‌شمالیل ماه من و شمع جمع و میر قبایل ➤

➤ واژه‌های قافیه: بدیع‌شمالیل، قبایل / حروف قافیه: ل (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲) [اگرچه حروف «ای» هم - که قبل از «ل» آمده - در واژه‌های قافیه، مشترک است، اما با توجه به ساختار قافیه‌سازی در قاعده ۲» فقط «ل» حروف اصلی قافیه به حساب می‌آید.]



مثال ۳) به خُردی بخورد از بزرگان قفا / خدا دادش اندر بزرگی صفا (قفا: پس گردنی)

+ واژه‌های قافیه: قفا، صفا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱) [اگرچه حروف «ف» هم جزء حروف مشترک در واژه‌های قافیه است، اما طبق قاعده ۱] فقط باید مصوّت بلند «ا» را حرف قافیه به حساب بیاوریم.]

توی این‌پور مواقع، برا این‌که فیلی فیلی راحت هروف قافیه رو تشفیص بدی، از آفر واژه‌های قافیه برگرد به سمت عقب؛

۱) اگر آفرین هرف قافیه «صامت» بود و قبل از اون هم مصوّت اومده بود، تمومه؛ هروف قافیه می‌شه مهموع همین «مصوّت + صامت پایانی».

۲) اگر قبل از صامت پایانی، یه صامت دیگه هم بود (دو صامت پایانی وجود داشت)، مطمئناً قبل از این صامت‌ها به یه مصوّت می‌رسی. این‌ها دیگه توقّف کن، چون هروف قافیه می‌شه همین «مصوّت + صامت + صامت».

۳) اگر آفرین هرف قافیه مصوّت بلند «ا» یا «و» بود، یعنی قافیه طبق قاعده «ا» ساخته شده و تمام؛ پس دیگه نیازی به این ترفند که از آفر به سمت عقب برگردی نیست. افتخار!!!

عیوب قافیه

رعایت قواعد قافیه (قاعده ۱ و ۲) در قافیه‌ساختن واژه‌ها با یکدیگر ضروری است؛ یعنی تمامی قافیه‌ها باید براساس این ۲ قاعده کلی ساخته شوند و هر چه برخلاف آن باشد، نادرست است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ از جمله:

۱) حروف قافیه باید هم از نظر تلفظ و هم از نظر شکل نوشتاری (مکتوب) مشابه و همسان باشند؛ اما: اگر حروف قافیه از نظر تلفظ، یکسان ولی از نظر شکل نوشتاری (مکتوب) مشابه و یکسان نباشند، قافیه‌ساختن واژه‌ها با هم نادرست است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ براین سلسله مثلاً قافیه‌ساختن «غلیظ، تمیز، مریض، لذیذ»، «پاس، خاص»، «قفص، قصص» و ... غلط است. به این مثال‌ها نگاه کن؛

مثال ۱) پیوند روح می‌کند این باد مُشک‌بیز / هنگام نوبت سحر است ای ندیم! خیز

+ واژه‌های قافیه: مُشک‌بیز، خیز / حروف قافیه: یز (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

قافیه‌ساختن این دوتا واژه با هم و یا با واژه‌هایی مثل «ریز، لبریز، تبریز، تمیز، تیز، نیز، فاکرِیز، سرفیز، برفیز و ...» کاملاً درست است؛ اما این واژه‌ها نمی‌تونن با واژه‌هایی مثل «لذیذ، تنفیذ، غلیظ، مضیض، مریض و ...» هم قافیه بشن، چون شکل نوشتاریشون با هم یکسان نیست.

مثال ۲) مرغ بی‌اندازه چون شد در قفس / گفت حق بر جان فسون خواند و قصص

+ واژه‌های قافیه: قفس، قصص / حروف قافیه: س، ص (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

شکل نوشتاری آفرین هرف مشترک واژه‌های قافیه (یعنی «س» و «ص») متفاوت است؛ پس این دوتا واژه نمی‌تونن با هم قافیه بشن و قافیه شدنشون، عیب قافیه‌ست. در قاعده ۲ که حروف قافیه به صورت «مصوّت کوتاه + صامت» یا «مصوّت کوتاه + صامت + صامت» است، مصوّت کوتاه در هر دو واژه قافیه باید یکسان و مشابه باشد (یعنی در هر دو واژه باید «ـَ» یا «ـِ» یا «ـُ» باشد)؛ اما: اگر این مصوّت کوتاه متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ براین سلسله قافیه‌ساختن «دل، گل»، «پَر، دُر»، «سَر، پُر»، «زَر، دُر»، «سَر، خُرد»، «منظر، تصوّر»، «بَد، خود (= خُد)»، «عاقِل، صیقل» و ... که مصوّت کوتاه در آن‌ها متفاوت است - غلط است.

مثال ۱) به فرق چمن، ابر گسترد پَر / به فرش زمرد فرو ریخت دُر

+ واژه‌های قافیه: پَر، دُر / حروف قافیه: ر، ر (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مصوّت کوتاه هروف قافیه متفاوت است؛ پس قافیه‌شدن این دوتا واژه با هم غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود.

مثال ۲) جان را چه سود گر دل از این باغ شد جدا! / بلبل! بنال گر گل از این باغ شد جدا

+ ردیف: از این باغ شد جدا / واژه‌های قافیه: دل، گل / حروف قافیه: ل، ل (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مصوّت کوتاه توی یه واژه «ـِ» و توی واژه دیگه به صورت «ـَ» اومده؛ پس قافیه‌شدن دوتا واژه با هم غلط است و عیب قافیه‌ست.

۳) در قاعده ۲ که حروف قافیه به صورت «مصوّت کوتاه + صامت» یا «مصوّت کوتاه + صامت + صامت» است، اگر صامتی که پس از مصوّت کوتاه می‌آید متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ براین سلسله قافیه‌ساختن واژه‌های «بحر، قهر»، «وحی، نهی»، «صدق، عشق»، «فهم، رحم»، «خلق، بَرَق»، «فصل، فصل» و ... غلط است.

مثال ۱) چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی / خداوند امر و خداوند نَهی

+ واژه‌های قافیه: وحی، نهی / حروف قافیه: ی، ی (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

اولین صامتی که بعد از مصوّت کوتاه واژه‌های قافیه اومده (ح، ه)، متفاوت است؛ پس قافیه شدنشون غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود.

مثال ۲) عزم و حزمش ازل فریب چو صدق / خلق و خلّش ابدشکب چو عشق

+ واژه‌های قافیه: صدق، عشق / حروف قافیه: ق، ق (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

اولین صامت بعد از مصوّت کوتاه «ـِ» (یعنی «د» و «ش») متفاوت است؛ پس قافیه‌شدن واژه‌های «صدق» و «عشق» با هم غلط است و عیب قافیه‌ست.

۴) اگر آخرین حرف مشترک در واژه‌های قافیه - که در اصطلاح علم قافیه، حرف «زوی» نامیده می‌شود - متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ براین سلسله قافیه‌ساختن واژه‌های «رگ، تَرک»، «بَرگ، تَرک» (کلاهخود)، «احتیاط، اعتماد» و ... با هم غلط است.

مثال) همی گرز بارید بر خود و تَرک / چو بادِ خزان بازَد از بید برگ (خود: کلاهخود)

+ واژه‌های قافیه: تَرک، برگ / حروف قافیه: ک، ک (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

آفرین هرف مشترک واژه‌های قافیه (یعنی «ک» و «گ») متفاوت است؛ پس قافیه‌ساختن اونا با هم غلط است و ایراد داره.

۵ در واژه‌هایی که به «ه / ه» ختم می‌شوند نظیر «خانه، لانه، کاشانه، کارخانه، جوانه، دانه، شیوه، شیفته و ...»، واج «ه / ه» به صورت «ی» تلفظ می‌شود، بنابراین اگر واژه‌های قافیه به واج «ه / ه» (= ی) ختم شده باشد، قافیه عیب دارد و با هیچ کدام از قواعد دوگانه قافیه‌سازی منطبق نیست.

مثال ۱ هر کجا ذکر او بود تو که ای؟! جمله تسلیم کن بدو، تو چه ای؟! (هجی: هجی)

+ ردیف: ای (= هستی) / واژه‌های قافیه: که، چه / حروف قافیه: «ه» (= ی)

۶ اگر واژه‌های قافیه به مصوت بلند «ی» ختم شده باشد، قافیه عیب دارد و با هیچ کدام از قواعد دوگانه قافیه‌سازی منطبق نیست.

مثال ۱ گاه توبه‌کردن آمد از مدایح وز هجی کز هجی بینم زیان و از مدایح، سود نی (هجی: هجی)

+ ردیف: - / واژه‌های قافیه: هجی (: هجوکردن، نکوهش)، نی / حروف قافیه: مصوت بلند «ی»

قافیه درونی

• بعضی از شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصراع‌ها نیز قافیه می‌آورند که به آن «قافیه درونی» گفته می‌شود.

• قافیه درونی ← گاه فقط در پایان نیم‌مصراع‌های بیت است و گاه به صورت پراکنده در درون مصراع‌ها می‌آید.

مثال ۱ در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود

+ قافیه درونی: بدن، سخن، خویشتن (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۲ دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم

+ قافیه درونی: سیر، دلیر، شیر (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۳ گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا

+ قافیه درونی: باغ، چراغ، داغ (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۴ مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

+ قافیه درونی: زنده، خنده (که در پایان نیم‌مصراع اول و دوم آمده).

مثال ۵ یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا یار تویی، غار تویی، خواجه نگه‌دار مرا

روح تویی، نوح تویی، فاتح و مفتوح تویی سینه مشروح تویی، بر در اسرار مرا

+ قافیه درونی: یار، غار، جگرخوار (در درون مصراع اول) / روح، نوح، مفتوح، مشروح (در درون مصراع‌های سوم و چهارم)

ذوقافیتین

گاه بیت دارای دو قافیه پایانی است که به آن «ذوقافیتین» (ذوقافیه‌ای) گفته می‌شود؛ البته قافیه اصلی، قافیه پایانی مصراع‌هاست.

مثال ۱ ای از مکارم تو شده در جهان خبر افکنده از سیاست تو آسمان سپر

+ بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: خبر، سپر [حروف قافیه: «ر» طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: جهان، آسمان [حروف قافیه: «ن» طبق قاعده ۲]

مثال ۲ آن دلبری که خوبی بسیار یار اوست دردا که در دلم همه پیکار کار اوست

+ بیت ذوقافیتین است. / ردیف: اوست / قافیه اصلی: یار، کار [حروف قافیه: «ار» طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: بسیار، پیکار [حروف قافیه: «ار» طبق قاعده ۲]

مثال ۳ آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد

+ بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی به معنای «باشد») [حروف قافیه: «اد» طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: نیست (فعل اسنادی منفی، متضاد «است»)، نیست (نابود و فناشونده) [حروف قافیه: «یست» طبق قاعده ۲]

نکته

در بیتی که ذوقافیتین است، گاه در بین دو قافیه، حروف و یا کلماتی عیناً از نظر لفظ و معنا تکرار می‌شود که در اصطلاح علم قافیه، به آن «حاجب» گفته می‌شود و مانعی برای ذوقافیتین بودن بیت نیست.

مثال ۱ طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد داغ و دردی کز تو باشد، خوش‌تر است از باغ و وورد

+ بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: درد، وورد (: گل سرخ) [حروف قافیه: «رد» طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: داغ، باغ [حروف قافیه: «اغ» طبق قاعده ۲]

حاجب: «و» بین واژه‌های قافیه

مثال ۲ ای شاه زمین! بر آسمان داری تخت سست است عدو تا تو کمان داری سخت

+ بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: تخت، سخت [حروف قافیه: «خت» طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: آسمان، کمان [حروف قافیه: «ان» طبق قاعده ۲]

حاجب: «داری» بین واژه‌های قافیه

قافیه در شعر نو (نیایی)

در شعر نو ← شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌سازد و هر جا بخواهد، از قافیه استفاده می‌کند. قافیه، محدودیت‌های شعر کلاسیک (کهن) را ندارد و در آخر ابیات نمی‌آید؛ بلکه در هر بخش از شعر، چند مصراع قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

مثال عاشقم بهار را، رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت‌های عاشقی! / پر ز باده سپیده باد **جام** تو / ای که چون غزال تشنه، آب تازه می‌خورد / مزرع دلم ز جاری **کلام** تو / در غبار **کام** تو / چاره فسونگران و رهنزان، در مُحاق مرگ رخ **نهفتن** است / من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را / من که جست‌وجوگرَم، سرودهای **ناشنیده** را، / شعر من که عاشقم / همیشه از تو **گفتن** است / ای که در بهار سبز **نام** تو / رسالت گل محمّدی، **شکفتن** است!

⊕ واژه‌های قافیه: جام، کلام، کام، نام / حروف قافیه: ام (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲) / ردیف: تو
واژه‌های قافیه: نهفتن، گفتن، شکفتن / حروف قافیه: ن (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲) / ردیف: است
واژه‌های قافیه: سپیده، ناشنیده / حروف قافیه: ه (= ی) / ردیف: را

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۱۵- کدام بیت فاقد «ردیف» است؟

- ۱) در پیش بی‌دردان چرا فریاد بی‌حاصل کنم
- ۲) روز وصل دوستداران یاد باد
- ۳) گلاب است گویی به جویش روان
- ۴) آب زبید راه را هین که نگار می‌رسد

۱۱۶- شاعر در سرودن کدام بیت، از ردیف بهره نگرفته است؟

- ۱) روز مردن سویم از رحمت نگاهی کرد و رفت
- ۲) از آن به خدمت میخوارگان کمر بستم
- ۳) بر سر آنم که گر ز دست برآید
- ۴) تار زلفت را جدا مشاطه گر از شانه کرد

۱۱۷- در کدام یک از ابیات زیر، «ردیف» به کار نرفته است؟

- ۱) من طاقت دوری ز رخ یار ندارم
- ۲) زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
- ۳) غم خویش در زندگی خور که خویش
- ۴) هیچ کس بی گوشمال تربیت آدم نشد

۱۱۸- در همه ابیات زیر، «ردیف» به کار رفته است به جز

- ۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
- ۲) دلارام در بر دلارام جوی
- ۳) صبا! به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴) ماه تابان است و همچون روی تو تابنده نیست

۱۱۹- شاعر در همه ابیات زیر به جز از «ردیف» بهره گرفته است.

- ۱) کاشکی جز تو کسی داشتمی
- ۲) آنان که خاک را به نظر کیما کنند
- ۳) خواجه در ابریشم و ما در گلیم
- ۴) ای روی داده صحبت دنیا را

۱۲۰- در هیچ یک از ابیات «ردیف» وجود ندارد به جز بیت گزینه

- ۱) قایل این گفته‌ها شو گوش‌وار
- ۲) پسر با پسر یکدگر را کنار
- ۳) بر من که صبحی زده‌ام خرقه حرامست
- ۴) گدا را چو حاصل شود نان شام

۱۲۱- در همه گزینه‌ها به جز گزینه شعر دارای ردیف است.

- ۱) تا داد باغ را سمن و گل به نو نوا
- ۲) شاه فلک بین به صبح پرده برانداخته
- ۳) از وبای زرق و محرومی برآ
- ۴) از جنون این عالم بیگانه را گم کرده‌ام

۱۲۲- در کدام بیت، ردیف دیده نمی‌شود؟

- ۱) در دل عطش عشق خدایی ما راست
- ۲) دلمرده از آنم که مسیحانفسی نیست
- ۳) کسی نمانده دگر تا به تیغ ناز گشی
- ۴) خنده بر حال گرانباران دنیا می‌زنم

کلان‌نویس فرهنگی آموزش - ۹۸

کلان‌نویس فرهنگی آموزش - ۹۸

۱۲۳- کدام یک از ابیات زیر، فاقد «ردیف» است؟

- (۱) جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را
- (۲) دوش آگهی ز یار سفرکرده داد باد
- (۳) هر شرارت در جهان فرزند آدم می‌کند
- (۴) شمشیر ازل به دست مردان خداست

۱۲۴- شاعر در سرودن کدام بیت، از «ردیف» شعری استفاده کرده است؟

- (۱) نه چنان به گرد کوبیت من ناصبور گردم
- (۲) ساقی! از آن شیشه منصور دم
- (۳) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
- (۴) خواجه در ابریشم و ما در گلیم

۱۲۵- کدام یک از قطعه شعرهای زیر فاقد قافیه است؟

- (۱) او در این دشت بزرگ / چشمه کوچک بی‌نامی بود / کز نهان خانه تاریک زمین / در سحرگاه شبی سرد و سیاه / به جهان چشم گشود.
- (۲) به دیدارم بیا هر شب، در این تنهایی تنها و تاریک خداماند / دلم تنگ است / بیا ای روشن، ای روشن‌تر از لبخند! / شبم را روز کن در زیر سرپوش سیاهی‌ها.
- (۳) گردها خوابید / روز رفت و شب فراز آمد / گوهر آجین کبود پیر باز آمد / چون گذشت از شب دو کوله پاس.
- (۴) بی‌شک هر مسافر را / این چنین دانسته بودم، وین چنین دانم / لیک / ای ندانم چون و چندا / ای دور! / تو بسا کآراسته باشی به آیینی که دلخواهست.

۱۲۶- واژه‌های قافیه در کدام گزینه، به درستی مشخص شده است؟

- (۱) آب آتش‌فروز عشق آمد
- (۲) نشود فاش کسی آن‌چه میان من و توست
- (۳) دل در اندیشه آن زلف گره گیر افتاد
- (۴) اگر بر تن خویش سالار و میرم

۱۲۷- قافیه کدام بیت، طبق قاعده (۲) است؟

- (۱) حق‌بین نظری باید تا روی مرا بیند
- (۲) ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خال‌ها
- (۳) هیچ عاشق خود نباشد وصل‌جو
- (۴) علی ای همای رحمت! تو چه آیتی خدا را

۱۲۸- قافیه در کدام بیت، طبق قاعده (۱) ساخته شده است؟

- (۱) خوشا وقت مجموع آن کس که اوست
- (۲) عمری است تا به راه غمت رو نهاده‌ایم
- (۳) چون کنی پا را؟ حیاتت زین گل است
- (۴) غمت در نهان‌خانه دل نشیند

۱۲۹- حروف قافیه در کدام بیت براساس الگوی «مصوت + صامت + صامت» است؟

- (۱) پری دانی چرا از دیده مردم نهان باشد؟!
- (۲) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
- (۳) در زلف تو بند بود داد دل ما
- (۴) خوش آمد گل وز آن خوش‌تر نباشد

۱۳۰- در همه گزینه‌ها به جز گزینه حروف مشترک قافیه از «مصوت بلند + صامت + مصوت» تشکیل شده است.

- (۱) هر روز دلم به زیر باری دگر است
- (۲) کنار آب و پای بید و طبع شعر و باری خوش
- (۳) که روزی ره‌روی در سرزمینی
- (۴) ای قصه بهشت ز کوبت حکایتی!

۱۳۱- قافیه کدام یک از ابیات زیر، طبق قاعده (۲) ساخته نشده است؟

- (۱) ظهر است ز خرمی جهان می‌خندد
- (۲) مبادا دولت دنیا نصیب بدگهر گردد
- (۳) عشق شوری در نهاد ما نهاد
- (۴) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

۱۳۲- قافیه تمامی ابیات زیر به جز طبق قاعده (۱) است.

- (۱) صلاح از ما چه می‌جویی که مستان را صلاح گفتیم
- (۲) که من عاشقم گر بسوزم رواست
- (۳) چشم ما آبش به هر سو می‌رود
- (۴) گذشت عمر و دل از حرص سر نمی‌تابد



۱۳۳- حروف قافیه کدام بیت به صورت «مصوّت کوتاه + صامت» نیست؟

- (۱) چه باک از زاهدان خشک میخواران سرکش را
- (۲) ساقی! از آن شیشه منصور دم
- (۳) یار به ما نظر نکرد صبر و شکیب را وداع
- (۴) دل بی‌آرزو آسوده از تشویش می‌باشد

۱۳۴- قافیه همه ابیات زیر به جز طبق قاعده (۲) ساخته شده است.

- (۱) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
- (۲) ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
- (۳) خیزید و خیز آید که هنگام خزان است
- (۴) به پیران جهان غم سازگار است

۱۳۵- قافیه در کدام بیت طبق قاعده «۲» نیست؟

- (۱) ای زبان هم گنج بی‌پایان تویی
- (۲) ای جهان کهنه را تو جان نو
- (۳) تافت نور صبح و ما از نور تو
- (۴) آستانه و صدر در معنی کجاست؟!

۱۳۶- حروف قافیه در کدام بیت، «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

- (۱) ز سوز عشق بهتر در جهان چیست
- (۲) دلیل کاروان اشکم آه سرد را مانم
- (۳) چیست دل؟ یک عالم بی رنگ و بوست
- (۴) در این بود درویش شوریده رنگ

۱۳۷- قافیه در تمامی ابیات زیر به صورت «مصوّت + صامت» است به جز

- (۱) عکس روی تو چو در آینه جام افتاد
- (۲) دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد
- (۳) چون درد عاشقی به جهان هیچ درد نیست
- (۴) هم حرکاتش متناسب به هم

۱۳۸- قاعده ساخت قافیه در همه گزینه‌ها به جز یکسان است.

- (۱) صبحدم مرغ چمن با گل نواخته گفت
- (۲) دنیا و دین درباختم حاصل نشد آلا هوس
- (۳) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟!
- (۴) دل مسکین من در بند مانده است

۱۳۹- قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) چون شکسته می‌رهد اشکسته شو
- (۲) چون برآمد این نکاح آن شاه را
- (۳) که مرا این علم آمد ز آن طرف
- (۴) آن پسر با خویش آمد، شد دوان

۱۴۰- قاعده ساخت قافیه در کدام یک از ابیات زیر، «مصوّت + صامت» نیست؟

- (۱) آن یار که در سینه جنون دارم از او
- (۲) باغبان گر چند روزی صحبت گل بیدش
- (۳) زان یار دلنوازم شکری است با شکایت
- (۴) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش

۱۴۱- الگوی ساخت قافیه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) به عهد گل شدم از توبه شراب خجل
- (۲) چو مردم سخن گفت باید به هوش
- (۳) مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم
- (۴) به دستت گر می‌آمید دادند

۱۴۲- الگوی هجایی حروف قافیه در همه گزینه‌ها به جز گزینه یکسان است.

- (۱) مرا به زندی و عشق آن فضول عیب کند
- (۲) بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند
- (۳) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
- (۴) عیب زندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت!

۱۴۳- قافیه در کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) چو سرو از راستی برزد علم را
 - (۲) خوش خبر باشی ای نسیم شمال!
 - (۳) مردم دیده‌ما جز به رخت ناظر نیست
 - (۴) در عشق رخت علم و خرد باختمام
- ندیدد اندر جهان تاراج غم را
که به مامی‌رسد زمان وصال
دل سرگشته‌ما غیر تو را ذاکر نیست
چه علم و خرد که جان خود باختمام

۱۴۴- کاربرد قافیه در کدام یک از ابیات زیر، عیب قافیه محسوب نمی‌شود؟

- (۱) بی‌مراد او نجنبید هیچ رگ
 - (۲) عزم و حزمش ازل‌فریب چو صدق
 - (۳) روزگار است این‌که گه عزت دهد گه خوار دارد
 - (۴) که گر آفتاب است یک ذره نیست
- در جهان ز اوج ثریا تا سمک
خلق و خلش ابدشکیب چو عشق
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد
وگر هفت دریاست یک قطره نیست

۱۴۵- قافیه‌شدن واژه‌های قافیه در کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) پیش از اینت بیش از این اندیشه‌ عشاق بود
 - (۲) هر جا که بنگری رخ او در تجلی است
 - (۳) همه بودی از بود او هست نام
 - (۴) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
- مهرورزی تو با ما شهره‌ آفاق بود
مجنون اگر شوی، همه آفاق لیلی است
تمام اوست دیگر همه ناتمام
که چو سرو پای‌بند است و چو لاله داغ دارد

۱۴۶- قافیه در کدام بیت، طبق هیچ یک از قواعد دوگانه قافیه ساخته نشده است؟

- (۱) عدل است که بنیاد ظفرها باشد
 - (۲) اگرچه رفت غبارم به راه او بر باد
 - (۳) گاه توبه‌کردن آمد از مدایح وز هجی
 - (۴) ای که با سلسله زلف دراز آمده‌ای!
- ظلم است که موجب ضررها باشد
ز گرد حادثه بر دامنش غبار مباد
کز هجی بینم زیان و از مدایح سود نی
فرصت باد که دیوانه‌نواز آمده‌ای

۱۴۷- قافیه به کار رفته در کدام گزینه، صنعت ادبی «جناس همسان» دارد؟

- (۱) عشق شوری در نهاد ما نهاد
 - (۲) دست از طلب ندارم تا کام من برآید
 - (۳) روز وصل دوستداران یاد باد
 - (۴) چنگش بگرفت زود در چنگ
- جان ما در بوتۀ سودا نهاد
یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید
یاد باد آن روزگاران یاد باد
انگار دلش نبود در چنگ

۱۴۸- کاربرد قافیه در کدام یک از ابیات زیر، آرایه ادبی «جناس همسان» پدید نیآورده است؟

- (۱) طریقی فراپیش‌گیر و رهی
 - (۲) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
 - (۳) دلم که چون سر زلف تو می‌رود بر باد
 - (۴) برو هر چه می‌بایدت پیش گیر
- همی رو که از قید هستی رهی
تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم
به دام عشق درافتاد هر چه بادا باد
سر ما نداری سر خویش گیر

۱۴۹- واژه‌های قافیه در تمامی ابیات زیر، دارای صنعت ادبی «جناس همسان» است به جز.....

- (۱) ساعتی کز درم آن سرو روان باز آید
 - (۲) بیا بیا بت رضوان غلام حور نهاد
 - (۳) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
 - (۴) دوش چون در شکن طرّه شب چین دادند
- راست گویی به تن مرده روان باز آید
که حق هر آن‌چه ز لطف است و حسن بر تو نهاد
به قصد جان من زار ناتوان انداخت
مژده آمدن آن صنم چین دادند

۱۵۰- در کدام بیت، شاعر برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، از «قافیه درونی» استفاده کرده است؟

- (۱) مقام امن و می بی‌غش و رفیق شفیق
 - (۲) دلبر که جان فرسود از او، کام دلم نگشود از او
 - (۳) بازای ساقیا! که هواخواه خدمتم
 - (۴) فاتحه‌ای چو آمدی، بر سر خسته‌ای بخوان
- گرت مدام می‌ستر شود زهی توفیق
نومید نتوان بود از او، باشد که دل‌داری کند
مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم
لب بگشا که می‌دهد لعل لب به مرده جان

۱۵۱- در همه ابیات به جز..... «قافیه درونی» دیده می‌شود.

- (۱) از آن مرد دانا دهان دوخته است
 - (۲) ای یار ما! عیار ما! دام دل خنار ما!
 - (۳) هنگام تنگدستی، در عیش کوش و مستی
 - (۴) حجره خورشید تویی، خانه ناهید تویی
- که بیند که شمع از زبان سوخته است
پا و امکش از کار ما، بستان گرو دستار ما
کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را
روضه اُمید تویی، راه ده ای یار مرا



۱۵۲- در چند بیت زیر، قافیه درونی وجود دارد؟

- (الف) چگونه برنپرد جان چو از جناب جلال
(ب) چند کشی بار هجر غصه و تیمار هجر
(پ) برو برو تو که ما نیز می‌رسیم ای جان!
(ت) آه ز نفس فضول آه ز ضعف عقول
(ث) ندا رسید روان را روان شو اندر غیب
(ج) یک دم بانگ نجات یک دم آواز مات
(۱) سه (۲) پنج

۱۵۳- کدام بیت، «ذوقافیتین» است؟

- (۱) بی‌درد مردم ما خدا بی‌درد مردم
(۲) روز نبود که به وصف تو سخن سرنکنم
(۳) دولت نام تو حاشا که تمامت جوید
(۴) رهروم مقصد امکان به خراسان یابم

۱۵۴- کدام گزینه «ذوقافیتین» نیست؟

- (۱) دانه باشی مرغکانت برچنند
(۲) بهاری کز دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد
(۳) عالم همه عابدند و معبود یکی است
(۴) هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو

۱۵۵- شاعر در کدام یک از ابیات زیر، از صنعت ادبی «ذوقافیتین» بهره گرفته است؟

- (۱) آسمان گر ندهد کام چه خواهد بودن؟!
(۲) جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
(۳) بیا تا حال یکدیگر بدانیم
(۴) صوفی از پرتو می راز نهانی دانست

۱۵۶- کدام یک از ابیات زیر «ذوقافیتین» است؟

- (۱) مبادا که تاج از تو گریان شود
(۲) بگفت این و چادر به سر درکشید
(۳) تو کردار خوب از توانا شناس
(۴) چنان رو که پرسند پاسخ کنی

۱۵۷- همه گزینه‌ها «ذوقافیتین» است به جز

- (۱) نه چنان به گرد کویت من ناصبور گردم
(۲) صفای صفوت رویت بریخت آب بهار
(۳) خداوند در توفیق بگشای
(۴) حمله سبک آری و گران داری رخت

۱۵۸- همه ابیات زیر «ذوقافیتین» است به جز

- (۱) ای ز احسان تو آراسته ایوان کرم
(۲) غارت جان گرمی رفتار او
(۳) ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
(۴) ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم

۱۵۹- با توجه به بیت‌های زیر، اطلاعات مقابل همه گزینه‌ها به جز درست است.

- (۱) لـرزان ز بلا چو برگ داند یارم
(۲) گفت که تو کشته نه‌ای در طرب آغشته نه‌ای
(۳) راه دهید یار را آن مه ده‌چهار را
(۴) ای چرخ از آن ستاره رعا چه خواستی؟

خطاب لطف چو شکر به جان رسد که تعال؟!
خاصه که منقار هجر کند تو را پر و بال
از این جهان جدایی بدان جهان وصال
آه ز یار ملول چند نماید ملال
منال و گنج بگیر و دگر ز رنج منال
می‌زند آن خوش‌صفت بر من و بر وصف حال

(۳) چهار

(۴) دو

نامرد مردم ما خدا نامرد مردم
شب نباشد که شفای تو مکرر نکنم
کآب گفتار تو دامان قیامت شود
تشنه‌ام مشرب احسان به خراسان یابم

غنچه باشی کودکانت برکنند
نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است
ذکرش همه این است که گم‌گشته دلم کو

یا حریفی نشود رام چه خواهد بودن؟!
هر کس که این ندارد حقاً که آن ندارد
مراد هم بجویم از توانیم
گوهر هر کس از این لعل توانی دانست

دل انجمن بر تو بریان شود
یکی باد سرد از جگر برکشید
خرد نیز نزدیک داناشناس
به پاسخگری روز فرخ کنی

که گر آستین فشانی چو غبار دور گردم
هوای جنت کویت ببیخت مشک تثار
نظامی را ره تحقیق بنمای
پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

زی ز جود تو مزین شده دیوان نعم
آفت دل نرمی گفتار او
محصول دعا در ره جانانه نهادیم
اقید ز هر کس که بریدیم بریدیم

- (ذوقافیتین) وان‌گاه همی به برگ خواند کارم
(قافیه درونی) پیش رخ زنده‌کنش کشته و افکنده شدم
(قافیه درونی) کز رخ نوربخش او نور نثار می‌رسد
(ذوقافیتین) ای باد از آن شکوفه زیبا چه خواستی؟

اغراق، ایهام و ایهام تناسب

اغراق

در لغت **به معنی** «سخت کشیدن کمان» است و **در اصطلاح ادب** «زیاده روی در توصیف، مدح و ستایش، ذم و نکوهش» و به طور کلی «نسبت دادن ویژگی و یا صفتی محال به کسی یا چیزی است به گونه‌ای که وجود آن صفت در آن کس یا آن چیز به آن حد، محال و غیرممکن باشد».

اغراق **در حقیقت**: باز نمودن دگرگونه مفاهیم و موضوعات است؛ به صورتی که معانی خرد و کوچک را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خرد و کوچک نشان دهد تا تأثیر سخن بیشتر و قوی‌تر شود.

به قول فردوسی، اغراق به نوع «لاف زدن» و «پیازداغ مطلب رو زیاد کردن» به حساب می‌آید؛ چون شاعر یا نویسنده به صفت یا ویژگی رو به یک کس یا به چیز نسبت می‌دهد، در حالی که ممکنه اون ویژگی یا صفت مورد نظر در اون کس یا اون چیز به اون حدی که شاعر یا نویسنده می‌گه، واقعاً وجود نداشته باشه.

مثال ۱) شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

اغراق در «قدرت و شکوه افراسیاب». این که افراسیاب، چنان قدر تمند و پنگاور باشه که حتی کوهی از آهن هم با شنیدن نامش از ترس آب بشه، یه سفن اغراق آمیزه.

مثال ۲) بگذار تا بگیرم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

اغراق در «شدت گریستن شاعر» و «سخت بودن جدایی یاران همدل از یکدیگر در روز وداع». این که شاعر عاشق در فراق معشوق بتونه مثل ابر بهاری گریه کنه و این که تمایل جدایی یاران همدل از همدیگه به حدی دشوار باشه که حتی سنگ هم از این جدایی، ناله سر برده، می‌شه «اغراق».

مثال ۳) چو رامین گهگاهی بنواختی چنگ ز شادی بر سر آب آمدی سنگ

اغراق در «چنگ نواختن زیبا و دلنشین رامین». این که رامین چنان زیبا و جذاب پنگ بنوازه که حتی سنگ هم برای شنیدن موسیقی اون، از کف دریا به روی آب بیاد، یه بیان اغراق آمیزه.

نکته

«اغراق» مناسب‌ترین آرایه و ابزار برای تصویر آفرینی در حماسه (اشعار حماسی) است؛ به همین جهت: در «شاهنامه» و آثار حماسی دیگر، بسیار از آن استفاده شده.

نمونه‌های اغراق

دلم گرفته از این روزها، دلم تنگ است میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

اغراق در «فاصله بین عاشق و معشوق و دوری آن‌ها از یکدیگر»

به تنها یکی گور بریان کنی هوا را به شمشیر گریان کنی

نشان کمند تو دارد هژیر ز بیم سنان تو خون بارد ابر (سنان: سرنیزه)

اغراق در «قدرت، تنومندی و شجاعت رستم»؛ به گونه‌ای که: «به تنهایی یک گورخر بریان را در یک وعده غذایی اش می‌خورد»؛ «از هیبت شمشیرزنی و جنگاوری اش هوا گریان می‌شود و ابر خون می‌بارد»؛ «شیر دزنده اسیر کمند اوست».

گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را از نازکی، آزار رساند بدنش را

اغراق در «لطافت بدن معشوق»؛ به گونه‌ای که اگر از گلبرگ‌های لطیف گل برای او پیراهنی بدوزند، باز هم بدنش را آزار می‌دهد!

چندین که بر شمردم از ماجرای عشقت اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران

اغراق در «بسیاری غم و اندوه شاعر»؛ به گونه‌ای که دلش انباشته از هزاران غم و اندوه است و هر چه از آن برای دیگران برمی‌شمرد، تمامی ندارد!

اگرچه نقش دیوارم به ظاهر از گران خوابی اگر رنگ از رخ گل می‌پرد، بیدار می‌گردم

اغراق در «سبک بودن خواب شاعر»؛ به گونه‌ای که حتی با پریدن رنگ از رخ گل، بیدار می‌شود و خوابش به هم می‌ریزد!

به زیورها بیارایند وقتی خوب رویان را تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی

اغراق در «زیبایی و حسن معشوق»؛ به گونه‌ای که نه تنها به زیورآلات نیازی ندارد تا زیبا شود، بلکه خودش موجب زیبایی و ارزش زیورآلاتی است که به اندامش آویخته است!

مشنوای دوست! که غیر از تو مرا یاری هست یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست

اغراق در «عشق‌ورزی پیوسته و شبانه‌روزی عاشق به معشوق»؛ به گونه‌ای که در شب و روز، جز یاد معشوق، به هیچ کار دیگری نمی‌پردازد!



❖ دیده‌تردامنم تا می‌زند نقشی بر آب خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند

❖ اغراق در «بسیاربودن اشک خونین عاشق در دوری از معشوق»؛ به گونه‌ای که خاک کوی معشوق با آن خون‌آلوده و رنگین می‌شود!

❖ سرود مجلس است اکنون ملک به رقص آرد که شعر حافظ شیرین‌سخن ترانه‌توست

❖ اغراق در «زیبایی اشعار حافظ»؛ به گونه‌ای که حتی فرشته هم با شنیدن آن به رقص درمی‌آید!

ایهام

❖ در لغت به معنی «به وهم و گمان افکندن» است و اصطلاح ادبی آوردن واژه یا ترکیبی است با حداقل دو معنی در سخن، که هر دو معنی آن می‌تواند مدنظر باشد و البته بیت یا عبارت نیز با هر دو معنا پذیرفتنی و دارای ارزش است.

❖ ایهام در حقیقت: ترفندی زیباست؛ زیرا: ذهن با اندکی تأمل، هر دو معنی را کشف می‌کند و همین موضوع سبب زیبایی آفرینی و لذت خواننده می‌شود.

❖ در «ایهام» دریافت هم‌زمان چند معنا از یک واژه یا عبارت، موجب زیبایی کلام می‌شود و تصویری زیبا در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌کند.

مثال ۱ خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش نیست

«گلستان» دو تا معنا دارد: ۱- باغ و گلزار ۲- کتاب گلستان سعدی؛ اما: واژه «گلستان» بوی این بیت به کار رفته که هر دو معنا قابل برداشته و «ایهام» به وجود آورده.

مثال ۲ از قضا آیینۀ چینی شکست خوب شد اسباب خودبینی شکست

«آینه» به وسیله ست که آدمی تصویر خودش رو تو می‌بیند؛ به علاوه آدمی با دیدن خودش تو آینه، ممکنه دچار خودبینی و غرور و تکبر بشه و به زیبایی خودش و ... بنازه!! پس: کاربرد «خودبینی» تو این بیت «ایهام» دارد؛ چون بوی به کار رفته که هر دو معنایش یعنی «خودبینی و غرور و تکبر» و «خود را دیدن» پذیرفته.

مثال ۳ چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه، دور از تو مرا چهره زردی است

عبارت «دور از تو» ایهام دارد؛ چون: دو معنا دارد و با هر دو معنایش هم، معنی بیت کامله؛ به این صورت: «- در دوری از تو ۲- از تو دور باد (جمله دعایی)».

توجه...

لازمه تشخیص دادن آرایه «ایهام» در بیت‌ها و عبارت‌ها — آشنایی با معانی مختلف واژه‌های ایهام‌ساز است.

این با فهرستی از مهم‌ترین واژه‌هایی که چندمعنایی هستن و «ایهام» می‌سازن برات آوردم:

فهرست برخی از مهم‌ترین واژه‌های چندمعنایی که «ایهام» می‌سازند:

چین: ❖ کشور چین ❖ چین و شکن	آب: ❖ مایع نوشیدنی ❖ آبرو
خراب: ❖ ویران ❖ مست و خراب از می	آهنگ: ❖ صدا، نغمه، نوا ❖ قصد و تصمیم، نیت
خویش: ❖ خود، خویشستن ❖ خویشاوند، قوم و خویش	آهو: ❖ غزال، نوعی حیوان ❖ عیب، نقص
خطر: ❖ حادثه، امر خطرناک و مخاطره‌آمیز ❖ ارزش	بار: ❖ دفعه، مرتبه ❖ محموله، آن‌چه حمل می‌کنند ❖ اجازه، رخصت
داد: ❖ فعل ماضی از مصدر «دادن» ❖ عدل و انصاف، حق	باری: ❖ یک‌بار، یک مرتبه ❖ خلاصه، به هر حال
دام: ❖ حیوان اهلی ≠ دد: حیوان وحشی و رمنده از مردم ❖ تله، ابزار شکار صیادان	باز: ❖ گشوده ❖ دوباره، مجدداً ❖ پرندۀ شکاری
دریغ: ❖ مضایقه، کوتاهی ❖ افسوس، دریغا، حسرت	باقی: ❖ جاویدان، ماندگار ❖ باقی‌مانده، بقیه، سایر
دستان: ❖ دست‌ها ❖ فریب، حيله و نیرنگ ❖ لقب «زال» (پدر رستم)	بالا: ❖ سمت بالا ≠ پایین ❖ قامت، قد
دور: ❖ دوره، زمانه ❖ دور زدن، گردش ❖ حلقه و محفل دوستان و یاران مصاحب	بگذار: ❖ قرار بده، بنه ❖ رها کن ❖ اجازه بده
دور از تو: ❖ در دوری از تو ❖ از تو دور باد (جمله دعایی)	بو: ❖ رایحه، شمیم ❖ امید، آرزو
دوراندیش: ❖ عاقبت‌نگر ❖ آن‌که به دوری و جدایی می‌اندیشد.	به: ❖ درخت «به» ❖ میوه «به» ❖ بهتر
دوش: ❖ دیشب ❖ کتف، شانه ❖ فعل امر از مصدر «دوشیدن»	بهشت: ❖ جنت ≠ دوزخ، جهنم ❖ رها کرد، بگذاشت؛ فعل ماضی از مصدر «هشتن»
راست: ❖ سمت راست ≠ چپ ❖ درست، سالم ❖ حقیقت ❖ صاف، مستقیم	پرده: ❖ حجاب، پوشش ❖ صفحه یا بوم نقاشی ❖ پرده موسیقی
دیوان: ❖ دیوان شعر، مجموعه اشعار ❖ دیوها، شیاطین	پری: ❖ زیباروی خیالی ❖ پری، پرواز کنی
راه: ❖ راه، مسیر، طریق ❖ نغمه و آهنگ (اصطلاح موسیقی)	پروانه: ❖ نوعی حشره ❖ اجازه، رخصت
روان: ❖ روح، جان ❖ رونده، جاری ❖ رایج	پریان: ❖ درهم، آشفته و نامرتب ❖ مضطرب و نگران، آشفته‌حال، بیمار
رَهِی: ❖ یک راه، راهی ❖ بنده ❖ بزهی، رهایی یابی	تاب: ❖ تاب و توان ❖ پیچ و تاب ❖ پریشانی و اضطراب، آشفته‌گی ❖ تابش، تابیدن
زاد: ❖ فعل ماضی از مصدر «زادن»؛ زاده شد ❖ توشه و برک سفر	تار: ❖ رشته و تار ❖ تاریک و تاری
زخم: ❖ زخم، جراحت ❖ ضربه	تیر: ❖ تیر (ابزار جنگی) ❖ سیاره تیر
سودا: ❖ عشق، میل و اشتیاق ❖ داد و ستد	جهان: ❖ دنیا، گیتی، عالم ❖ جهنده
شانه: ❖ ابزار آرایشگری ❖ کتف، دوش	چپ: ❖ سمت چپ ≠ راست ❖ دویین، آحول، لوچ (صفت «چشم»)
شکر: ❖ نوعی ماده شیرین خوراکی ❖ معشوقه دوم خسرو (پادشاه ایران)	چنگ: ❖ چنگال، پنجه دست ❖ نوعی آلت و ساز موسیقی

شور: مژه شور • شور و هیجان • یکی از دستگاه‌های موسیقی
شیر: مایع نوشیدنی و خوراکی • حیوان دژنده
شیرین: مژه شیرین • معشوقه خسرو و فرهاد
صبر: صبر و شکیبایی • گیاهی با میوه‌های بسیار تلخ
صورت: چهره، روی • ظاهر ≠ باطن • عکس، تصویر
عشق: عاشقان • یکی از دوازده مقام در موسیقی ایرانی (اصطلاح موسیقی)
عود: نوعی ماده خوشبو • نوعی آلت و ساز موسیقی
عهد: دوره، روزگار • عهد و پیمان
غریب: بیگانه، غریبه، نا آشنا • شگفت، عجیب، بدیع، نو و نادر
قانون: اصل و قاعده، اصول و روش‌ها • نوعی آلت و ابزار موسیقی
کتابی از بوعلی سینا
قربان: قربانی، فدا شده • نوعی ابزار جنگی که کمان را در آن می‌نهند.
قلب: دل، عضوی از بدن • مرکز و میانه • دگرگونی، وارونگی
کام: دهان • آرزو، مراد، خواسته
کنار: کنار، نزد • آغوش، بغل، سینه • ساحل، کرانه و کناره
کیش: آیین، مذهب • جعبه تیر، تیردان

گلستان: باغ، گلزار • گلستان سعدی
گلیم: نوعی گسترده‌ای که بافته می‌شود. • گل هستیم.
گور: قبر، گورستان، محل دفن مرده • گورخر
ماه: مدت سی‌روزه • ماه آسمان، قمر • استعاره از «معشوق»
مردم: مردمان • مردمک چشم
مشتري: خریدار • سیاره مشتری
مجنون: دیوانه، جانی • لقب «قیس بنی‌عامر» (عاشق لیلی)
مهر: محبت، عشق • خورشید • ماه «مهر»
نگران: نگرنده، مشاهده‌کننده • پریشان و مضطرب
نواختن: نوازش کردن • نواختن و به صدا درآوردن ساز
نوا: صدا، نغمه، آواز • یکی از دستگاه‌های موسیقی
نوش: شهید، عسل • فعل امر از مصدر «نوشیدن»
نهاد: قرار داد، گذاشت؛ فعل ماضی از مصدر «نهادن» • سرشت، ذات، سیرت
نیست: فعل اسنادی ≠ است • نابود، فانی
هزار: عدد هزار • هزارستان، بلبل، عندلیب
هوا: جریان هوا • آسمان • میل، آرزو، هوس، عشق

نکته

گاه برخی از تخلص‌های شعری شاعران که دو یا چند معنا دارد، «ایهام» پدید می‌آورد؛ مانند: تخلص شعری «مولانا» (متخلص به «خمش»، «شیخ‌بهایی» (متخلص به «بهایی»، «رهی معیری» (متخلص به «رهی»، «زیب‌التسا» (متخلص به «مخفی») و ...

مثال برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است

که آن، خلیل بنا کرد و این، خدا خود ساخت

«مخفی» ایهام داره؛ چون به دو معنای مقتلف به کار رفته؛ «۱- پنهان ۲- تخلص شعری زیب‌التسا؛ و البته معنی بیت با هر دو معنا درست و پذیرفتنیه.

نمونه‌های ایهام

- + بی مهر زخت، روز مرا نور نمانده است وز عمر، مرا جز شبِ دیچور نمانده است
- + مهر: مهر و محبت، عشق ۱ خورشید (مهر رخ ← خورشید رخسار (اضافه تشبیهی))
- + عهد کردی که کشی فرصت خود را روزی فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش مکن
- + فرصت: ۱ تخلص شعری «فرصت شیرازی» ۲ وقت و فرصت، زمان / عهد: ۱ عهد و پیمان، وعده ۲ دوره و زمان
- + جان ریخته شد با تو، آمیخته شد با تو چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم
- + بوی: ۱ رایحه و شمیم ۲ آرزو، امیدواری
- + دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
- + دل‌سیه: ۱ سیاه‌دل و بی‌رحم ۲ دارای مردمک سیاه / نگاه ندارد: ۱ نگاه نمی‌کند. ۲ حفظ و نگهداری نمی‌کند.
- + اگر سنت اوست نوآوری نگاهی هم از نو به سنت کنیم
- + از نو: ۱ دوباره، از ابتدا، مجدداً ۲ از شعر جدید (نیمایی)
- + بگفتا: عشق شیرین بر تو چون است؟ بگفت: از جان شیرینم فزون است
- + شیرین: ۱ شیرین‌خانم (معشوقه فرهاد) ۲ شیرین و لذیذ، جذاب و دلنشین
- + عرضه کردم دو جهان بر دل کارافتاده به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست
- + باقی: ۱ بقیه ۲ باقی و جاویدان [معنی مصراع دوم با هر دو معنا: ۱ به جز عشق تو، بقیه موجودات دو جهان] را فانی دانست. ۲ به جز عشق تو که باقی و جاویدان است، همه (همه جهان) را فانی دانست.
- + ای دمت عیسی! دم از دوری مزن من غلام آن که دوراندیش نیست
- + دوراندیش: ۱ عاقبت‌نگر ۲ آن که به دوری و جدایی می‌اندیشد.
- + نرگس مست نوازشگر مردم‌دارش خون عاشق به قدح گر بخورد، نوشش باد
- + مردم‌دار: ۱ دارای مردمک ۲ اهل معاشرت و مدارا با مردم

ایهام تناسب

• آوردن واژه‌ای است با حداقل دو معنی در سخن، که یک معنی آن موردنظر و پذیرفتنی است و معنای دیگرش که موردنظر نیست، با بعضی از واژه‌های دیگر بیت یا عبارت، تناسب (مراعات نظیر) دارد.

• ایهام تناسب در حقیقت: نوعی بازی با ذهن خواننده است تا نخست به معنای دل‌بند که مدنظر نیست و سپس به معنی درست پی‌برد؛ و به این ترتیب، ذهن به تلاش و تکاپو می‌افتد تا معنی درست و موردنظر واژه را با توجه به مفهوم بیت دریابد.

مثال ۱ روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

«آیت» دو معنا دارد: «۱- نشانه ۲- آیه قرآن»؛ اما: معنای اول (نشانه) معنای اصلی و موردنظر شاعره - چون شاعر درباره‌ی معشوقش می‌گه: «چهره‌ی خوبت نشانه‌ای از لطف و فواید...» - و معنای دوم (آیه قرآن) هم که مدنظر نیست، با واژه‌های «کشف» و «تفسیر» تناسب دارد. این می‌شه «ایهام تناسب». گرفتگی چی شد؟!

مثال ۲ گر خرامی یک ره از خانه برون خوبرویان بر زخمت گردند مات

«زخ» ایهام تناسب دارد؛ چون: با دو معنا تو این بیت به کار رفته: «۱- چهره، صورت ۲- مهره شطرنج». معنای اول، معنای اصلی و مدنظر شاعره و معنی دوم (مهره شطرنج) هم که مدنظر نیست، با واژه «مات» تناسب (مراعات نظیر) دارد.

مثال ۳ گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

«هزار» ایهام تناسب دارد؛ چون: با دو معنا به کار رفته: «۱- عدد هزار ۲- بلبل، هزارستان». از این دو تا معنا هم، معنای اول، معنای اصلی و موردنظر شاعره و معنای دوم که مدنظر نیست، با «باغ، بلبل، نغمه، ترانه» تناسب دارد.

نکته

تفاوت «ایهام» با «ایهام تناسب» در این است که: در «ایهام»، هر دو معنی واژه، موردنظر و پذیرفتنی است و بیت یا مصراع یا عبارت، با هر دو معنا، معنادار و درست است؛ اما: در «ایهام تناسب»، فقط یک معنی موردنظر و پذیرفتنی است و معنی دوم که مدنظر نیست، با واژه یا واژه‌های دیگر تناسب (مراعات نظیر) می‌سازد.

البته دقت داشته باش می‌گم! برا این که بفهمی توی «ایهام تناسب»، کدوم معنی اصلیه و کدوم معنی غیراصلی، به واژه‌های دیگه بیت یا عبارت نگاه کن. اون معنی‌ای که غیراصلیه، مطمئناً با واژه‌های دیگه بیت یا عبارت تناسب (مراعات نظیر) دارد؛ معنی‌ای هم که باقی می‌مونه، می‌شه معنی اصلی و مدنظر شاعر یا نویسنده. افتاد؟! مثال رو ببین:

مثال تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او ز آن سفر دراز خود، عزم وطن نمی‌کند

«چین» دو تا معنا دارد: «۱- چین و شکن، خمیدگی ۲- کشور چین». برا تشفیف دادن معنی اصلی و موردنظر شاعر از معنی غیراصلی، کافیه ببینی که کدوم معنی «چین» با واژه‌های «رفت، سفر، وطن» تناسب دارد. معلومه که معنی دوم (کشور چین)؛ پس این معنا می‌شه معنای غیراصلی و معنای دیگه (چین و شکن) می‌شه معنای اصلی و موردنظر شاعر.

نکته

گاه، یک واژه به گونه‌ای در بیت یا عبارت به کار می‌رود که دارای «ایهام» (دو معنای قابل پذیرش) است؛ اما وجود کلماتی دیگر در آن بیت یا عبارت باعث می‌شود که به غلط تصور کنیم، واژه موردنظر به جای «ایهام»، آرایه‌ی ایهام تناسب دارد. پس هواسه باش که صرف تناسب داشتن واژه ایهام دار با کلمات دیگه «بیت یا عبارت»، دلیل نمی‌شه تصور کنیم بیت «ایهام تناسب» دارد. آگه هر دو معنای واژه، موردنظر و پذیرفتنی باشه، بیت «ایهام» دارد نه «ایهام تناسب». مثال رو ببین:

مثال بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار زین به ندیده‌ایم که در بوستان توست

«به» آرایه «ایهام» دارد؛ چون با دو معنا تو این بیت به کار رفته: «۱- بهتر ۲- میوه به»؛ و اتفاقاً هر دو معنا هم قابل پذیرشه. (نباید تصور کنی که معنای اول (بهتر) معنای اصلی و موردنظر شاعره و معنای دوم (میوه به)، معنای غیراصلیه و با واژه‌های «درختان، بوستان» تناسب دارد و به این ترتیب، به اشتباه تصور کنی که بیت «ایهام تناسب» دارد.)

نمونه‌های ایهام تناسب

• چنان سایه گسترد بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

➕ زال: ۱) پیرزن سفیدموی (معنای اصلی) ۲) پدر رستم (معنای غیراصلی؛ تناسب با «رستم»)

• با چشم سیر، نان و پیازم به سفره چیست؟ اشکم بس است جایزه چشم‌سیری‌ام

➕ سیر (در مصراع اول): ۱) سیر، بیزار نسبت به خوراکی و غذا (معنای اصلی) ۲) نوعی از سبزیجات (معنای غیراصلی؛ تناسب با «پیاز»)

• پرستش به مستی است در کیش مهر برون‌اند زین جرگه هشیارها

➕ کیش مهر: ۱) آیین مهرورزی، عشق و محبت (معنای اصلی) ۲) آیین خورشیدپرستی یا میترائیسم (معنای غیراصلی؛ تناسب با «پرستش»)

• چون شبم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم

➕ مهر: ۱) مهر و محبت، عشق (معنای اصلی) ۲) خورشید (معنای غیراصلی؛ تناسب با «آفتاب، عیوق (ستاره‌ای در اوج آسمان)»)/ آفتاب: ۱) استعاره از «معشوق» (معنای اصلی) ۲) آفتاب، خورشید (معنای غیراصلی؛ تناسب با «مهر، عیوق») البته «اوفتاده» هم به دو معنا به کار رفته و ایهام دارد: «۱- افتاده بر زمین ۲- فروتن و متواضع».

- ❖ گویند روی سرخ تو سعدی! که زرد کرد؟
 + روی: ۱) چهره، صورت (معنای اصلی) ۲) فلز روی (معنای غیراصولی؛ تناسب با «مس، زر») / مس: ۱) استعاره از «وجود» (معنای اصلی) ۲) فلز مس (معنای غیراصولی؛ تناسب با «روی، زر»)
- ❖ ما هم این هفته برون رفت و به چشم سالی است
 حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است؟!
 + ماه: ۱) استعاره از «معشوق» (معنای اصلی) ۲) ماه سی‌روزه، بخشی از سال (معنای غیراصولی؛ تناسب با «هفته، سال»)
- ❖ نبینم بر بساط خوبی‌ات همتا، خوش آن عاشق
 که شطرنج محبت با رخ خوب تو می‌بازد
 + رخ: ۱) چهره، صورت (معنای اصلی) ۲) مهره شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «بساط (سفره چرمی و صفحه شطرنج)، شطرنج، می‌بازد»)
- ❖ عمر دوباره یافت زلیخا ز ماه مصر
 اوقات به که صرف عزیزان کند کسی
 + عزیز: ۱) مورد عزت و احترام، دوست‌داشتنی (معنای اصلی) ۲) عزیز مصر (معنای غیراصولی؛ تناسب با «زلیخا، مصر»)
- ❖ هر تیر که در کیش است، گر بر دل ریش آید
 ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها
 + قربان: ۱) قربانی، فدا شده (معنای اصلی) ۲) جای کمان، وسیله‌ای که کمان را در آن قرار می‌دهند (معنای غیراصولی؛ تناسب با «تیر، کیش (تیردان)»)
- ❖ نه تلخ است صبری که بر یاد اوست
 که تلخی شکر باشد از دست دوست
 + صبر: ۱) صبر و شکیبایی (معنای اصلی) ۲) گیاهی با میوه بسیار تلخ (معنای غیراصولی؛ تناسب با «تلخ، تلخی، شکر»)

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(سراسری انسانی ۸۹)

۱۰۸۸- در کدام بیت، «ایهام تناسب» به کار رفته است؟

- ۱) تفسیر لطیفی است ز پاکتی دل کوه
- ۲) چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم
- ۳) حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
- ۴) گر قلب دلم را نهد دوست عیاری

(سراسری انسانی ۸۶)

۱۰۸۹- در کدام بیت، آرایه «ایهام تناسب» به کار نرفته است؟

- ۱) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی!
- ۲) مدام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
- ۳) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
- ۴) چشم چپ خویشتن برآرم

(سراسری انسانی ۸۵)

۱۰۹۰- در کدام بیت، آرایه «ایهام» به کار نرفته است؟

- ۱) به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من
- ۲) کرده‌ام خاک در میکده را بستر خویش
- ۳) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
- ۴) در راه تو «حافظ» چو قلم کرد ز سر پای

(سراسری انسانی فارغ ۸۵)

۱۰۹۱- شاعر در کدام بیت، آرایه «اغراق» به کار برده است؟

- ۱) آن‌جا که بود آن دلستان، با دوستان در بوستان
- ۲) زبغ از دلم پر خون کنم، خاک دمن گلگون کنم
- ۳) ای ساربان! منزل مکن جز در دیار یار من
- ۴) ابر است بر جای قمر، زهر است بر جای شکر

۱۰۹۲- در کدام یک از ابیات زیر، آرایه «اغراق» به کار نرفته است؟

- ۱) یافت از روی و رای او پرتو
- ۲) دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زد
- ۳) نخواهم دامن مهرت ز دست دل رها کردن
- ۴) ملک جمشید ندارم که ز تو بوسه خرم

۱۰۹۳- در کدام بیت، آرایه «ایهام» وجود دارد؟

- (۱) باز در چنگل شهباز دلت مرغ دلم
- (۲) با وجود حسن معنی خواهش صورت خطاست
- (۳) دیده روشن دلان بی‌پرده می‌بیند لقا
- (۴) آواز تیشه امشب از بیستون نیامد

۱۰۹۴- در تمامی ابیات زیر به جز آرایه «ایهام» به کار رفته است.

- (۱) گفتم که یکی بوسه زنم بر دهنم
- (۲) چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
- (۳) گر چو فرهادم به تلخی جان برآید، باک نیست
- (۴) جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز

۱۰۹۵- در کدام یک از ابیات زیر، «ایهام» به کار رفته است؟

- (۱) در مشک و عود و عنبر و امثال طیبیات
- (۲) مدام از پربشانی روزگار
- (۳) از آن زمان که بر این آستان نهادم روی
- (۴) آواز چنگ مطرب خوش گوی گو مباش

۱۰۹۶- در همه ابیات، آرایه «ایهام تناسب» وجود دارد به جز

- (۱) کشیدند در کوی دلدادگان
- (۲) چون که پیوسته دل سوخته می‌خواهد دوست
- (۳) گل را چه غم ز زاری بلبل که در چمن
- (۴) نبیند روی من زردی به اقبال لب لعلش

۱۰۹۷- در کدام یک از ابیات زیر، هر دو آرایه «ایهام» و «ایهام تناسب» دیده می‌شود؟

- (۱) خسرو بی لب شیرین شکر بار تو چند
- (۲) یکی را حکایت کنند از ملوک
- (۳) چون شب‌نم افتاده بدم پیش آفتاب
- (۴) با من آمیزش او الفت موج است و کنار

۱۰۹۸- در کدام بیت هر دو آرایه «ایهام تناسب و جناس» وجود دارد؟

- (۱) در زلف تو گویی که فکنند ای صنم چین
- (۲) رسم عشاق وفاخوی بتان، بدعهدی است
- (۳) سرو سیم‌اندام چون دعوی صیادی کند
- (۴) شیر و شکر به طفل مزاجان سبیل کن

۱۰۹۹- در همه ابیات، آرایه‌های «ایهام» و «کنایه» هر دو وجود دارند به جز

- (۱) من به بوی توام ای دوست! هواخواه بهار
- (۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
- (۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
- (۴) خیال شهبازی پخت و شد ناگه دل مسکین

۱۱۰۰- در کدام بیت، بیشتر از سایر ابیات از آرایه «ایهام تناسب» استفاده شده است؟

- (۱) بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق!
- (۲) از اسب پیاده شو بر نطع زمین نه رخ
- (۳) همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش
- (۴) به یک تبسم شیرین از آن لب نمکین

۱۱۰۱- آرایه‌های «جناس، کنایه، اغراق، تکرار، مراعات‌نظیر، واج‌آرایی» تماماً در کدام بیت یافت می‌شود؟

- (۱) بسیار بود رود در آن برزخ کبود
- (۲) بلبل از گل بگذرد چون در چمن بیند مرا
- (۳) ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است
- (۴) بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی!

۱۱۰۲- در کدام یک از ابیات زیر، همه آرایه‌های «استعاره، ایهام، تضاد، مراعات‌نظیر، لَفْونشر» به کار رفته است؟

- (۱) ویران مکن این دیده و دل ز آتش و آب
- (۲) به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند
- (۳) چه باید نازش و نالش بر اقبال و ادباری
- (۴) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را

۱۱۰۳- آرایه‌های «استعاره، تلمیح، کنایه، ایهام تناسب، اغراق، واج‌آرایی» همگی در کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) تو شاه عرصه حُسنی و هر که دید رخت
- (۲) آرزو دارم ز لعلش تا به لب جام مدام
- (۳) شاه شمشادقدان خسرو شیرین‌دهنان
- (۴) هر که مست است در این میکده هشیارتر است

(سراسری تهرانی ۹۳)

۱۱۰۴- آرایه‌های «ایهام، نغمه حروف، تشبیه، تضمین»، همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟

- (۱) تو شور کوه‌کن آور نه قصه شیرین
- (۲) به بوی زلف تو در پیشگاه باد سحر
- (۳) به زیر زلف پرندین بامداد وصال
- (۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ

(سراسری انسانی ۹۳)

۱۱۰۵- کدام بیت، فاقد «استعاره مصرّحه» و دارای سه «تشبیه» و یک «ایهام» است؟

- (۱) کمند زلف بتی گردنم بیست به مویی
- (۲) خورشید عارض او چون دژه برده تابم
- (۳) یا بهار عمر من رو بر خزان خواهد نهاد
- (۴) چشم گریان را به طوفان بلا خواهم سپرد

(سراسری انسانی فارغ ۸۹)

۱۱۰۶- در کدام بیت، همه آرایه‌های «کنایه، تشبیه، اغراق، جناس، مراعات‌نظیر» وجود دارد؟

- (۱) جمعی افتاده به هر گوشه پریشان‌حال است
- (۲) جوی خون می‌رود از چشمه چشمم بر خاک
- (۳) من ز خود می‌روم و یار قدح می‌بخشد
- (۴) می‌رسد جلوه‌گر آن سرو خرامان ای دل!

(سراسری انسانی ۹۵)

۱۱۰۷- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

- «چون تیر مدارید ز ما چشم اقامت
- (۱) لَفْونشر، کنایه، تشخیص، جناس
- (۲) تشبیه، مجاز، استعاره، ایهام

(سراسری ریاضی ۹۴)

۱۱۰۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «آن چه می‌دانند ماتم تن پرستان، سور ماست
- (۱) ایهام - استعاره - کنایه - تضاد
- (۲) تشبیه - ایهام تناسب - مجاز، لَفْونشر
- (۳) کنایه - تناقض - جناس - ایهام

(سراسری انسانی ۹۳)

۱۱۰۹- آرایه‌های همه گزینه‌ها به استثنای گزینه در بیت زیر تماماً وجود دارد.

- دامن صحرا بر این دیوانه دامن گلی است»
- (۱) کنایه - ایهام - تلمیح
- (۲) تشبیه - تشخیص - جناس
- (۳) استعاره - تشبیه - تلمیح
- (۴) تشبیه - ایهام تناسب - تناقض - تلمیح

(سراسری هنر ۹۳)

۱۱۱۰- کدام آرایه‌ها در بیت زیر، تماماً موجود است؟

- «هستند بی‌قرار چو زلف تو عالمی
- (۱) تشخیص، اغراق، مراعات‌نظیر، کنایه، ایهام تناسب
- (۲) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص

(سراسری ریاضی ۹۲)

۱۱۱۱- کدام آرایه‌های ادبی در بیت زیر یافت می‌شود؟

- «آخر ای مطرب! از این پرده عشاق بگرد
- (۱) استعاره، ایهام، مجاز
- (۲) کنایه، استعاره، تشبیه
- (۳) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص
- (۴) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس تام

(کانون فرهنگی آموزش - ۹۸)

۱۱۱۲- کدام آرایه‌ها همگی در بیت زیر وجود دارد؟

- «حلقه گوش شما را تا بود مه مشتری
- (۱) استعاره، کنایه، مجاز، تلمیح
- (۲) جناس تام، مراعات‌نظیر، شخصیت‌بخشی، کنایه
- (۳) تلمیح، ایهام، مراعات‌نظیر، کنایه
- (۴) تشبیه، شخصیت‌بخشی، تضاد، استعاره



۱۱۱۳- آرایه‌های بیت «مصر دنیا را که در وی سیم و زر باشد عزیز / تو زلیخایی از آن نزد تو باشد خوار دین» در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- (۱) ایهام تناسب - تشبیه - ایهام - استعاره
(۲) ایهام - جناس - اغراق - تلمیح
(۳) اغراق - استعاره - تلمیح - تشبیه
(۴) تشبیه - تلمیح - ایهام تناسب - جناس

۱۱۱۴- در بیت زیر، همه آرایه‌های ذکر شده در گزینه‌ها وجود دارد به جز
«وعدۀ کام ز شیرین‌دهنان هست هلاک

- (۱) اشتقاق - کنایه - ایهام - مراعات‌نظیر
(۲) مجاز - ایهام تناسب - تلمیح - کنایه
(۳) ایهام تناسب - واج‌آرایی - تلمیح - ایهام
(۴) تکرار - واج‌آرایی - ایهام - مراعات‌نظیر

۱۱۱۵- در کدام گزینه، به آرایه‌های بیت زیر به درستی اشاره شده است؟
«برو طواف دلی کن که کعبۀ مخفی است

- (۱) کنایه، مراعات‌نظیر، تضاد، مجاز
(۲) تشبیه، ایهام تناسب، تلمیح، لفونشر مرتب
(۳) تلمیح، تشبیه، لفونشر مشوش، ایهام
(۴) مراعات‌نظیر، استعاره، واج‌آرایی، ایهام تناسب

۱۱۱۶- کدام گروه از آرایه‌ها همگی در بیت زیر به کار رفته است؟
«به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند

- (۱) ایهام تناسب، استعاره مکتبه، تضاد، نغمه حروف
(۲) تشخیص، لفونشر مشوش، ایهام، تضاد
(۳) مراعات‌نظیر، تشخیص، لفونشر مرتب، ایهام
(۴) استعاره مکتبه، مراعات‌نظیر، ایهام تناسب، اغراق

۱۱۱۷- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه به درستی مطرح شده است؟
«لعبت چین چون توان خواند آن نگاری را که هست

- (۱) استعاره مصرّحه - مراعات‌نظیر - جناس ناقص - ایهام
(۲) جناس تام - ایهام تناسب - استعاره مصرّحه - نغمه حروف
(۳) ایهام تناسب - تکرار - نغمه حروف - تلمیح
(۴) اغراق - کنایه - تلمیح - جناس تام

۱۱۱۸- آرایه‌های بیت «دهان شهد تو داده رواج آب خضر / لب چو قند تو برد از نبات مصر رواج» در کدام گزینه به درستی مطرح شده است؟
(۱) ایهام تناسب - تکرار - تلمیح - واج‌آرایی

- (۲) تشبیه گسترده - اغراق - ایهام - مراعات‌نظیر
(۳) تشبیه فشرده - تضاد - اغراق - جناس ناقص
(۴) ایهام - تلمیح - استعاره - کنایه

۱۱۱۹- کدام گروه از آرایه‌های زیر، در بیت «بین که سیب زرخدان تو چه می‌گوید / هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست» دیده می‌شود؟
(۱) ایهام تناسب - تشبیه - مجاز - تضمین

- (۲) تشخیص - استعاره مصرّحه - تضمین - ایهام
(۳) مجاز - تلمیح - استعاره مکتبه - مراعات‌نظیر
(۴) کنایه - جناس - تلمیح - تشخیص

۱۱۲۰- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟
(۱) گوشه‌گیران قفس را نکبت گلشن بس است

- (۲) از دل پر خون، تراوش کم کند اسرار عشق
(۳) همچو طوق قمریان آغوش ما گستاخ نیست
(۴) خطّ عذار یار که بگرفت ماه از او

۱۱۲۱- آرایه مقابل همه ابیات، به استثنای بیت درست است.
(۱) چو عاجز گشت از این خاک جگر تاب

- (۲) غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند
(۳) هر قطره‌ای در این ره، صد بحر آتشین است
(۴) فرورفت و بررفت روز نبرد

۱۱۲۲- هر دو آرایه مقابل همه ابیات درست است به جز گزینه
(۱) غلام نرگس مست تو تاجداران‌اند

- (۲) امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند
(۳) ز زهد خشک ملولم، کجاست باده ناب؟
(۴) قامت طوبی ز قدش سایه‌ای است

۱۱۲۳- در کدام گزینه، به آرایه‌های ذکر شده در مقابل آن به درستی اشاره نشده است؟
(۱) دل ندانم ز خدنگ که به خون خفت ولی

- (۲) ای رند جرعه‌نوش! تو و محنت خمار
(۳) ای روی تو و زلف تو چون روز و شب عید
(۴) ما با توایم و با تو نه‌ایم، اینت بوالعجب

۱۱۲۴- آرایه‌های درج شده در مقابل کدام یک از ابیات زیر درست است؟
(۱) گرم حیات بماند، نماند این غم و حسرت

- (۲) چون گل از بی‌طاقتی بر درد بی‌دردی مخند
(۳) من از هوای تو ای سرو راستین! چه کنم؟
(۴) خیال شهبواری پخت و شد ناگه دل مسکین

وگر نمیرد بلبل درخت گل به بر آید:

- می‌دهد بر باد سر را پسته چون خندان شود:
من از جفای تو ای جان نازنین! چه کنم؟
خداوند! نگه دارش که بر قلب سواران زد:

- ایهام - مراعات‌نظیر
استعاره با ذکر مشبّه به - واج‌آرایی
موازنه - ایهام
ایهام تناسب - کنایه

(سراسری انسانی ۹۵)

(سراسری انسانی فارغ ۹۰ با تغییر)

(کانون فرهنگی آموزش - ۹۷)



۱۱۲۵- آرایه‌های ذکرشده در مقابل همه گزیندها به جز تماماً درست است.

- (۱) برگزندی و ننگری، باز نگر که بگذرد
(۲) که گفت در رخ زیبا نظر خطا باشد
(۳) خلق و بازار جهان کش همه سود است و زیان
(۴) از تو گر لطف و کرم ورم همه جور است و ستم
- ۱۱۲۶- آرایه‌های مقابل همه ابیات زیر درست است به جز
(۱) از آن زمان که ز چشم برفت رود عزیز
(۲) جمعیتی که از دل ویران به من رسید
(۳) چنان با باده عشق تو سرگرم در این گلشن
(۴) گمان مبر که شود گریه آب آتش عشق

۱۱۲۷- آرایه ذکرشده در مقابل کدام بیت درست نیست؟

- (۱) عجب در آن سر زلف معنبر مفتول
(۲) گوی خوبی که برد از تو که خورشید آن جا
(۳) هر خس و خاری در این صحرا بهاری داشت لیک
(۴) غنی! روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن
- ۱۱۲۸- آرایه‌های مقابل تمامی ابیات زیر به استثنای درست است.
(۱) تاجر عشقت متاع غم به نقد دل خرید
(۲) همچو شام طره و صبح بناگوشست مها!
(۳) پس از این گوش فلک نشنود افغان کسی
(۴) تا توانی سر متاب از جاده تسلیم عشق

۱۱۲۹- آرایه‌های به کاررفته در کدام بیت، تماماً درست است؟

- (۱) نیک بد کردی شکستن عهد یار مهربان
(۲) به دست‌های نگارین چو در حدیث آبی
(۳) قوی‌حال و قوی‌یال و قوی‌بال و قوی‌بازو
(۴) به نزد زلف چون مشکش نباشد مشک را قدری
- ۱۱۳۰- آرایه‌های «اغراق - تضاد - تشبیه - ایهام» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟
(الف) نسخه قانون عشقت باید ای بیمار نفس!
(ب) ای به جام لاله شبنم راح ریحانی تو!
(پ) چون شفق رنگین کند محراب سیمین افق
(ت) سودا ز این بهتر چه می‌خواهی که سودا می‌کنند

- (۱) الف، ت، ب، الف (۲) پ، ب، الف، ت (۳) الف، پ، ت، ب (۴) الف، ت، پ، ب

۱۱۳۱- ترتیب آرایه‌های «مجاز، لفظ‌ونشر، جناس، ایهام و پارادوکس» در ابیات زیر، کدام است؟

- (الف) حاصلی در عشق ممکن نیست جز بی حاصلی
(ب) چهره زرد من و روی خود از طره بپوش
(پ) ای لب لعلت ز آب زندگانی برده آب
(ت) و در مجلس ما ز آتش عشقت نشود گرم
(ث) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل!؟

- (۱) الف - ت - ب - ث - پ (۲) پ - ت - ب - الف - ث (۳) ت - ب - پ - ث - الف (۴) ت - ب - پ - الف - ث

۱۱۳۲- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «تشبیه، اغراق، تلمیح، ایهام تناسب و کنایه» کدام است؟

- (الف) درگذشت از سر من آب ولی گر دهم
(ب) در درونم به جز از دوست دگر چیزی نیست
(پ) بار سر چند کشم بی‌سر زلفت بر دوش!؟
(ت) شور سودای من و تلخی عیشم بگذار
(ث) چون سر از خوابکه خاک برآرم در حشر

- (۱) الف - ب - ت - پ - ث (۲) پ - ب - الف - ت - ث (۳) پ - ث - ب - ت - الف (۴) پ - ث - ت - الف - ب

۱۱۳۳- آرایه‌های «ایهام، موازنه، تشخیص، لفظ‌ونشر، تشبیه» در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) بازم لباس صبر به صد پاره کرده‌ای
(ب) ای ز جام می عشق تو خرد رفته ز هوش
(پ) گفتی که تا ز نزد تو دورم چگونه‌ای؟
(ت) زلف کافرکیش تو آیین ایمان برگرفت
(ث) شمع دل را شب هجران تو سر سوخته‌ام

- (۱) پ - ث - ت - ب - الف (۲) ت - پ - ث - الف - ب (۳) پ - ت - ث - الف - ب (۴) ت - پ - الف - ب - ث

۱۱۳۴- آرایه‌های «اغراق، لَفْ و نَشْر، موازنه، مجاز، ایهام» به ترتیب در کدام ابیات وجود دارد؟

(الف) مرغ شب‌خوان که دم از پردهٔ عشاق زند
(ب) بی لب لعل و رخت خادام خلوت‌گه انس
(پ) هر که در شب رخ چون ماه تو ببند گوید
(ت) جز عشق بتان نهی است در مِلّت مشتاقان
(ث) زبان خامه ندارد سر بیان فراق

(۱) ب - الف - پ - ث - ت (۲) ب - پ - الف - ت - ث (۳) پ - ت - ب - الف - ث (۴) پ - ب - ت - ث - الف

۱۱۳۵- ترتیب صحیح قرارگرفتن ابیات براساس داشتن آرایه‌های «استعاره، ایهام، تناسب، تناقض» در کدام گزینه آمده است؟

(کانون فرهنگی آموزش - ۹۸)

(الف) جای مستان همه در گوشهٔ محراب افتاد
(ب) آن‌چه سعی است من اندر طلبت بنمایم
(پ) دل کوه سنگین پر از درد شد
(ت) دیدمت دورنمای در و بام ای شیراز!

(۱) ت - پ - ب - الف (۲) پ - ب - الف - ت (۳) الف - پ - ب - ت (۴) پ - ب - ت - الف

۱۱۳۶- کدام گزینه، ترتیب ابیات را به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب - استعاره - تشبیه - متناقض‌نما» نشان می‌دهد؟

(کانون فرهنگی آموزش - ۹۶)

(الف) بگشا کمند زلف که دل دردمند توست
(ب) کشیدم پای در دامن، مگر مجموع دامن شد
(پ) تو به عارض زهره و من مشتری از جان تو را
(ت) هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم

(۱) الف، ت، ب، پ (۲) پ، ت، الف، ب (۳) ت، الف، پ، ب (۴) پ، الف، ب، ت

(کانون فرهنگی آموزش - ۹۸)

۱۱۳۷- آرایه‌های «ایهام - تشبیه - اغراق - تلمیح - تضاد» به ترتیب در کدام گزینه وجود دارند؟

(الف) زد ره عقل مرا، حور بهشتی‌رویی
(ب) با کدام بیگانه تازه آشنا گشتی
(پ) خورشید را ز عنبر افکنده‌ای به چنبر
(ت) هر سرو که در چمن درآید
(ث) اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین

(۱) پ - ث - ت - الف - ب (۲) ت - پ - ب - ث - الف (۳) پ - ث - ب - الف - ت (۴) ت - پ - ب - الف - ث

۱۱۳۸- ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، ایهام تناسب، تلمیح، اشتقاق، تضمین، اغراق» کدام است؟

(الف) روزی هزار بار بخوانم کتاب صبر
(ب) جام می بر دست و می نوشم مدام
(پ) من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت
(ت) به سان چنگ به صد پرده می‌نهفتم راز
(ث) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
(ج) حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی

(۱) ب - ث - ت - پ - الف - ج (۲) ج - ث - ت - پ - الف - ب (۳) ب - ث - ت - پ - ج - الف (۴) ث - ج - ت - پ - ب - الف

۱۱۳۹- اگر بخواهیم ابیات زیر را به لحاظ دارابودن آرایه‌های «تشبیه، اغراق، کنایه، ایهام، مراعات‌نظیر، متناقض‌نما» از بالا به پایین مرتب کنیم، کدام

گزینه درست است؟

(الف) رخ او لاله، چشم نرگس باغ
(ب) ز آسمان بگذرم ار بر منت افتد نظری
(پ) خورشیدی و آن‌گه به شب‌آیی، عجب این است
(ت) از آن زمان که زمین بوس آستان توام
(ث) اگر کساد شکر بایدت دهن بگشای
(ج) باز از نوای دلبری سازی دگرگون می‌زنی

(دیدار: چهره)

(۱) الف - ت - ب - ج - ث - پ (۲) ث - پ - ج - ب - الف - ت (۳) الف - پ - ث - ت - ب - ج (۴) پ - ث - الف - ب - ج - ت

۱۱۴۰- در کدام گروه از ابیات زیر، آرایهٔ «ایهام» به کار رفته است؟

(الف) دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری
(ب) ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
(پ) آن‌چه سعی است من اندر طلبت بنمایم
(ت) غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد

(۱) ب - پ (۲) الف - پ (۳) الف - ت (۴) پ - ت



۱۱۴۱- به ترتیب، در کدام گروه از بیت‌های زیر، آرایه «ایهام» و در کدام بیت‌ها آرایه «ایهام تناسب» وجود دارد؟

- (الف) در مجلس دهر ساز مستی پست است
(ب) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید
(پ) پروانه او گر رسدم در طلب جان
(ت) کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود؟!
(ث) تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت
(ج) نه تلخ است صبری که بر یاد اوست

(۱) الف، پ، ت - ب، ث، ج (۲) ب، ت، ث - الف، پ، ج (۳) الف، ب، ج - پ، ت، ث (۴) ب، پ، ج - الف، ت، ث

۱۱۴۲- آرایه مطرح‌شده در مقابل چند بیت، درست نیست؟

- (الف) دیده تردانم تا می‌زند نقشی بر آب
(ب) چمن چون بوی تو آرد، به بوی تو چمن میرم
(پ) بر گل و ریحان نمی‌خواهم که اندازم نظر
(ت) مگر به یاد لب باده می‌دهد ساقی
(ث) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز
(ج) راز عشقش که پس پرده دل هست نهان
- (۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار
- خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند:
به یاد قد تو در سایه سرو و سمن میرم:
تا که باشد زلف و رخسارت گل و ریحان ما:
که آب میکده خوش تر ز آب حیوان است:
که ایزد در بیابانت دهد باز:
با دف و چنگ عیان بر سر بازار کنیم:
- (۱) مجاز - اشتقاق
(۲) متناقض‌نما - اغراق
(۳) استعاره - ایهام
(۴) تشبیه - کنایه

۱۱۴۳- آرایه‌های درج‌شده در مقابل چند بیت تماماً درست است؟

- (الف) خون دلم از حسرت یک جام به جوش است
(ب) هر شبی در این ره صد بحر آتشین است
(پ) امروز نقاب از رخ خود ماه برانداخت
(ت) صدف‌وار گوه‌رشناسان راز
(ث) ای به ذات تو ملک گشته جلیل
(ج) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
(چ) آیین سکندر جام می است بنگر
- (۱) چهار (۲) دو (۳) یک (۴) سه
- آبی به سر آتش من زن که نجوشم:
دردا که این معما شرح و بیان ندارد:
بر طلعت خورشید و مه و زهره فزود او:
دهان جز به لؤلؤ نکردند باز:
وی به نام تو زنده نام خلیل:
کی طمع در گردش گردون دون پرور کنم؟!
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا:
- (۱) مجاز - اشتقاق
(۲) متناقض‌نما - اغراق
(۳) استعاره - ایهام
(۴) تشبیه - کنایه

۴ ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): شام (شب)، شام (سرزمین شام) ابیت «ذوقافیتین» است و واژه‌های «نان» و «سلطان» واژه‌های قافیه دوم به شمار می‌رود.

۱۲۱- **گزیده ۱** ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): نوا (سامان، سازوبرگ)، نوا (صدا و نغمه)

پرسی سایرگزیده‌ها

۲ ردیف: انداخته / واژه‌های قافیه: بر، در (در «برانداخته» و «در انداخته»)

۳ ردیف: آ / واژه‌های قافیه: بر، در (در «برآ» و «درآ»)

۴ ردیف: را گم کرده‌ام / واژه‌های قافیه: بیگانه، خانه

۱۲۲- **گزیده ۴** بیت «ذوقافیتین» است و واژه «می‌زنم» در پایان دو مصراع، قافیه اصلی بیت است و «جناس همسان» دارد؛ به این صورت: واژه‌های قافیه اصلی: می‌زنم (آخنده) می‌کنم، می‌زنم (می‌روم، حمله‌ور می‌شوم) / واژه‌های قافیه دوم: دنیا، دریا

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: ما راست / واژه‌های قافیه: خدایی، جدایی

۲ ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: مسیحانفسی، فریادرسی

۳ ردیف: گشی / واژه‌های قافیه: ناز، باز

۱۲۳- **گزیده ۲** بیت «ذوقافیتین» است و واژه «باد» در پایان هر دو مصراع، قافیه اصلی بیت است و «جناس همسان» دارد؛ به این صورت: واژه‌های قافیه اصلی: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی به معنای «باشد») / واژه‌های قافیه دوم: داد، باد

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: را / واژه‌های قافیه: زندگانی، جوانی

۲ ردیف: می‌کند / واژه‌های قافیه: آدم، درهم

۴ ردیف: خداست / واژه‌های قافیه: مردان، چوگان

۱۲۴- **گزیده ۲** ردیف: داد / واژه‌های قافیه: نسرین، مسکین

پرسی سایرگزیده‌ها ابیات گزیده‌های ۱، ۲ و ۴ «ذوقافیتین» هستند و در آن‌ها «ردیف» به کار نرفته؛ به این صورت:

۱ واژه‌های قافیه اصلی: گردم (بگردم، بچرخم)، گردم (بشوم) / واژه‌های قافیه دوم: ناصبور، دور

۲ واژه‌های قافیه اصلی: دم (خون)، دم (بدم) از مصدر «دمیدن» / واژه‌های قافیه دوم: منصور، صور

۴ واژه‌های قافیه اصلی: گلیم (نوعی گسترده‌ای)، گلیم (گل هستیم) / واژه‌های قافیه دوم: در، یکسر

۱۲۵- **گزیده ۴** پرسی سایرگزیده‌ها

۱ واژه‌های قافیه: بود، گشود

۲ واژه‌های قافیه: خدامانند، لبخند

۳ ردیف: آمد / واژه‌های قافیه: فراز، باز

۱۲۶- **گزیده ۴** واژه‌های قافیه: میرم (امیر و فرمانروا هستم)، خیرخیرم (بیهوده ... مرا)

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: آمد / واژه‌های قافیه: آتش‌فروز، آب‌سوز

۲ ردیف: من و توست / واژه‌های قافیه: میان، نامه‌رسان

۳ ردیف: افتاد / واژه‌های قافیه: گره‌گیر، زنجیر

۱۲۷- **گزیده ۲** ردیف: ها / واژه‌های قافیه: خال، اجمال

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: بیند / واژه‌های قافیه: مرا، خدا

۲ ردیف: - / واژه‌های قافیه: وصل جو، او

۴ ردیف: را / واژه‌های قافیه: خدا، هما

۱۲۸- **گزیده ۲** ردیف: نهاده‌ایم / واژه‌های قافیه: رو، سو / حروف قافیه: مصوّت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: - / واژه‌های قافیه: اوست، دوست / حروف قافیه: وست (مصوّت + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

۳ ردیف: است / واژه‌های قافیه: گل، مشگل / حروف قافیه: - ل (مصوّت + صامت: طبق قاعده ۲)

۱۱۵- **گزیده ۲** بیت «ذوقافیتین» است و واژه «روان» در پایان دو مصراع، قافیه اصلی بیت است و «جناس همسان» دارد؛ به این صورت: واژه‌های قافیه اصلی: روان (رونده و جاری)، روان (روح و جان) / واژه‌های قافیه دوم: جویش، بویش

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: کنم / واژه‌های قافیه: بی‌حاصل، صاحب‌دل

۲ ردیف: یاد باد / واژه‌های قافیه: دوستداران، روزگاران

۴ ردیف: می‌رسد / واژه‌های قافیه: نگار، بهار

۱۱۶- **گزیده ۲** ردیف: - / واژه‌های قافیه: بستم، رستم

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: کرد و رفت / واژه‌های قافیه: نگاهی، آهی

۲ ردیف: آید / واژه‌های قافیه: بر، سر

۴ ردیف: کرد / واژه‌های قافیه (جناس همسان): شانه (وسیله آرایش)، شانه (کتف)

۱۱۷- **گزیده ۲** ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): خویش (خویشاوند)، خویش (خود، خویشان)

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: ندارم / واژه‌های قافیه: یار، کار

۲ ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: آگاه، اکراه

۴ ردیف: نشد / واژه‌های قافیه: آدم، صاحب‌دم

۱۱۸- **گزیده ۲** ردیف: - / واژه‌های قافیه: دلارام‌جوی، جوی (نهر)، جوی آب [حتی اگر واژه «جوی» در مصراع اول را به طور مستقل واژه قافیه بدانیم، قافیه هم‌چنان درست است و «جناس همسان» خواهد داشت؛ زیرا «جوی» در مصراع اول به معنای «جوینده» است.]

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: آرزوست / واژه‌های قافیه: گلستانم، فراوانم

۲ ردیف: را / واژه‌های قافیه: رعنا، ما

۴ ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: تابنده، بارنده

۱۱۹- **گزیده ۳** ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): گلیم (نوعی گسترده‌ای)، گلیم (گل هستیم)

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: داشتمی / واژه‌های قافیه: کسی، دسترسی

۲ ردیف: کنند / واژه‌های قافیه: کیمیا، ما

۴ ردیف: را / واژه‌های قافیه: دنیا، آوا

۱۲۰- **گزیده ۳** ردیف: ست (= است) / واژه‌های قافیه: حرام، کدام

پرسی سایرگزیده‌ها ۱ ردیف: - / واژه‌های قافیه: گوش‌وار، گوشوار

۲ ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): کنار (آغوش)، کنار (کناره)

۴ ردیف: نشیند / واژه‌های قافیه: دل، مَحیل / حروف قافیه: ی - ل (مصوّت + صامت: طبق قاعده ۲)

۱۲۹- **گزینیه ۳** ردیف: بود داد دل ما / واژه‌های قافیه: بند، گمند / حروف قافیه: َ نَد (مصوّت + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: باشد / واژه‌های قافیه: نهان، مردمان / حروف قافیه: اَن (مصوّت + صامت: طبق قاعده ۲)

۷ ردیف: شُت (مخفف «است») / واژه‌های قافیه: بلا، ماجرا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

۴ ردیف: نباشد / واژه‌های قافیه: خوش‌تر، ساغر / حروف قافیه: َ ر (مصوّت + صامت: طبق قاعده ۲)

۱۳۰- **گزینیه ۴** واژه‌های قافیه: حکایتی، روایتی / حروف مشترک قافیه: َ تَی (مصوّت کوتاه + صامت + مصوّت)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: دگر است / واژه‌های قافیه: باری، خاری / حروف مشترک قافیه: اری (مصوّت بلند + صامت + مصوّت)

۲ ردیف: خوش / واژه‌های قافیه: باری، گل‌گذاری / حروف قافیه: اری (مصوّت بلند + صامت + مصوّت)

۳ واژه‌های قافیه: سرزمینی، رهنشینی / حروف مشترک قافیه: ینی (مصوّت بلند + صامت + مصوّت)

۱۳۱- **گزینیه ۳** ردیف: نهاد / واژه‌های قافیه: ما، سودا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: می‌خندد / واژه‌های قافیه: جهان، بی‌کران / حروف قافیه: اَن (طبق قاعده ۲)

۷ ردیف: گردد / واژه‌های قافیه: بدگهر، بیشتر / حروف قافیه: َ ر (طبق قاعده ۲)

۴ ردیف: از اوست / واژه‌های قافیه: خرم، عالم / حروف قافیه: َ م (طبق قاعده ۲)

۱۳۲- **گزینیه ۴** ردیف: نمی‌تابد / واژه‌های قافیه: سر، بر / حروف قافیه: َ ر (طبق قاعده ۲)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: گفتیم / واژه‌های قافیه: صلا، دعا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

۷ ردیف: شُت (مخفف «است») / واژه‌های قافیه: روا، چرا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

۳ ردیف: می‌رود / واژه‌های قافیه: سو، رو / حروف قافیه: مصوّت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

۱۳۳- **گزینیه ۴** ردیف: می‌باشد / واژه‌های قافیه: تشویش، ریش / حروف قافیه: یش (مصوّت بلند + صامت)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: را / واژه‌های قافیه: سرکش، آتش / حروف قافیه: َ ش (مصوّت کوتاه + صامت)

۲ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه (جناس همسان): دم (خون)، دم (بدم)، فعل امر از مصدر «دمیدن» / حروف قافیه: َ م (مصوّت کوتاه + صامت)

۳ ردیف: نکرد صبر و شکیب را وداع / واژه‌های قافیه: نظر، اثر / حروف قافیه: َ ر (مصوّت کوتاه + صامت)

۱۳۴- **گزینیه ۲** ردیف: در ما ز توست / واژه‌های قافیه: نوا، صدا (: پژواک، بازگشت صوت) / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱

۱ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: بُو، دُرُو / حروف قافیه: ُ و (طبق قاعده ۲)

۲ ردیف: است / واژه‌های قافیه: خزان، وزان / حروف قافیه: اَن (طبق قاعده ۲)

۴ ردیف: است / واژه‌های قافیه: سازگار، کار / حروف قافیه: اَر (طبق قاعده ۲)

۱۳۵- **گزینیه ۴** ردیف: ست (مخفف «است») / واژه‌های قافیه: کجا، ما / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: تویی / واژه‌های قافیه: بی‌پایان، بی‌درمان / حروف قافیه: اَن (طبق قاعده ۲)

۷ واژه‌های قافیه: نُو، شُو / حروف قافیه: ُ و (طبق قاعده ۲)

۳ ردیف: تو / واژه‌های قافیه: نور، منصور / حروف قافیه: وَر (طبق قاعده ۲)

۱۳۶- **گزینیه ۳** ردیف: شُت (مخفف «است») / واژه‌های قافیه: بو، چارسو / حروف قافیه: مصوّت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: چیست، نگرست / حروف قافیه: ِ یَسَ (مصوّت + صامت + صامت)

۷ ردیف: را مانم / واژه‌های قافیه: سرد، صاحب‌درد / حروف قافیه: َ رَد (مصوّت + صامت + صامت)

۴ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: شوریده‌رنگ، چنگ / حروف قافیه: َ نَگ (مصوّت + صامت + صامت)

۱۳۷- **گزینیه ۳** ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: درد، مرد / حروف قافیه: َ رَد (مصوّت + صامت + صامت)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: افتاد / واژه‌های قافیه: جام، خام / حروف قافیه: اَم (مصوّت + صامت)

۲ ردیف: آمد / واژه‌های قافیه: بشارت، اشارت / حروف قافیه: َ تَ (مصوّت + صامت)

۴ ردیف: به هم / واژه‌های قافیه: متناسب، متقارب / حروف قافیه: َ بَ (مصوّت + صامت)

۱۳۸- **گزینیه ۲** ردیف: هوس / واژه‌های قافیه: آلا، جا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: گفت، شکفت / حروف قافیه: ُ فَ (مصوّت + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

۳ ردیف: باشد / واژه‌های قافیه: حزن، همین / حروف قافیه: ِ یَن (مصوّت + صامت: طبق قاعده ۲)

۴ ردیف: مانده است / واژه‌های قافیه: بند، شگرخند / حروف قافیه: َ نَد (مصوّت + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

۱۳۹- **گزینیه ۲** واژه‌های قافیه: را، بی‌مرا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

پرسی سارگینه‌ها ۱ واژه‌های قافیه: شُو، رُو / حروف قافیه: ُ و (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

۳ واژه‌های قافیه: طُرف، مُسْتَحْف / حروف قافیه: َ فَ (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

۴ واژه‌های قافیه: دوان، امتحان / حروف قافیه: اَن (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

۱۴۰- **گزینیه ۴** ردیف: خویش / واژه‌های قافیه: اصل، وصل / حروف قافیه: َ صَ (مصوّت + صامت + صامت)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: دارم از او / واژه‌های قافیه: جنون، خون / حروف قافیه: وَن (مصوّت + صامت)

۲ ردیف: بایدش / واژه‌های قافیه: گل، بلبل / حروف قافیه: ُ لَ (مصوّت + صامت)

۳ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: شکایت، حکایت / حروف قافیه: َ تَ (مصوّت + صامت)

۱۴۱- **گزینیه ۳** ردیف: دارم / واژه‌های قافیه: بدن، خویشتن / حروف قافیه: َ نَ (مصوّت کوتاه + صامت)

پرسی سارگینه‌ها ۱ ردیف: خجل / واژه‌های قافیه: شراب، ناصواب / حروف قافیه: اَب (مصوّت بلند + صامت)

۷ ردیف: َ ر / واژه‌های قافیه: هوش، خموش / حروف قافیه: وَش (مصوّت بلند + صامت)

۴ ردیف: دادند / واژه‌های قافیه: امید، خورشید / حروف قافیه: ِ یَدَ (مصوّت بلند + صامت)

۱۴۲- **گزینیه ۳** ردیف: شد / واژه‌های قافیه: مجلس، مونس / حروف قافیه: َ سَ (مصوّت کوتاه + صامت)

- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: کند / واژه‌های قافیه: عیب، غیب / حروف قافیه: ییب (مصوّت کوتاه + صامت + صامت)
- ۲) واژه‌های قافیه: بلند، برگند / حروف قافیه: ـــ ند (مصوّت کوتاه + صامت + صامت)
- ۴) واژه‌های قافیه: پاکیزه‌سرشت، نوشت / حروف قافیه: ـــ شت (مصوّت کوتاه + صامت + صامت)
- ۱۴۳- **گزینیه ۴** ردیف: باختهم / واژه‌های قافیه: خزد، خُود / حروف قافیه: ـــ د، ـــ د [مصوّت کوتاه در حروف قافیه متفاوت است و قافیه‌شدن دو واژه با هم، عیب قافیه و غلط است.]
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: را / واژه‌های قافیه: عَلم، غَلم / حروف قافیه: ـــ م (طبق قاعده ۲)
- ۲) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: شمال، وصال / حروف قافیه: ال (طبق قاعده ۲)
- ۳) ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: ناظر، ذاکر / حروف قافیه: ـــ یر (طبق قاعده ۲)
- ۱۴۴- **گزینیه ۲** ردیف: دارد / واژه‌های قافیه: خوار، بسیار / حروف قافیه: ار (طبق قاعده ۲)
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: رگ، سمک / حروف قافیه: ـــ گ، ـــ ک [آخرین حرف مشترک در واژه‌های قافیه متفاوت است و قافیه عیب دارد.]
- ۲) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: صدق، عشق / حروف قافیه: ـــ دق، ـــ شق [اولین صامت پس از مصوّت کوتاه «ـــ» در حروف قافیه متفاوت است و قافیه عیب دارد.]
- ۴) ردیف: نیست / واژه‌های قافیه: ذره، قطره / حروف قافیه: ـــ رر، ـــ طر [اولین صامت پس از مصوّت کوتاه «ـــ» در حروف قافیه متفاوت است و قافیه عیب دارد.]
- ۱۴۵- **گزینیه ۲** ردیف: است / واژه‌های قافیه: تجلی، لیلی / حروف قافیه: ـــ ل ل ل، ـــ ی ی ل ی [حروف قافیه در واژه‌های قافیه یکسان نیست و قافیه عیب دارد.]
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: بود / واژه‌های قافیه: عشاق، آفاق / حروف قافیه: اق (طبق قاعده ۲)
- ۳) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: نام، ناتمام / حروف قافیه: ام (طبق قاعده ۲)
- ۴) ردیف: دارد / واژه‌های قافیه: فراغ، داغ / حروف قافیه: اغ (طبق قاعده ۲)
- ۱۴۶- **گزینیه ۲** ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: هجی، نی [واژه‌های قافیه به مصوّت بلند «ی» ختم شده که با هیچ‌کدام از قواعد دوگانه قافیه مطابقت ندارد.]
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: ها باشد / واژه‌های قافیه: ظفر، ضرر / حروف قافیه: ـــ ر (طبق قاعده ۲)
- ۲) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: باد، مباد / حروف قافیه: اد (طبق قاعده ۲)
- ۴) ردیف: آمده‌ای / واژه‌های قافیه: دراز، دیوانه‌نواز / حروف قافیه: از (طبق قاعده ۲)
- ۱۴۷- **گزینیه ۲** بیت «ذوقافیتین» است و واژه «آید» در پایان هر دو مصراع، قافیه اصلی بیت است و «جناس همسان» دارد؛ به این صورت: واژه‌های قافیه اصلی: برآید (میسر و ممکن شود)، برآید (بالا بیاید، بیرون آید) / واژه‌های قافیه دوم: من، تن
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: نهاد / واژه‌های قافیه: ما، سودا
- ۳) ردیف: یاد باد / واژه‌های قافیه: دوستداران، روزگاران
- ۴) ردیف: در چنگ / واژه‌های قافیه: زود، نبود
- ۱۴۸- **گزینیه ۴** ردیف: گیر / واژه‌های قافیه: پیش، خویش / حروف قافیه: یش (طبق قاعده ۲)
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: رهی (یک راه)، رهی (برهی، رهایی یابی)

- ۲) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): دوشم (دوش: کتف و شانه + م)، دوشم (دوش: دیشب + م) [معنی بیت: دیشب مرا [به سبب مستی] از در میخانه بر دوش کشیدند [و بردند]؛ تا روز قیامت، از کیفیت حالتی که دیشب داشتم، سرمست هستم.]
- ۳) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی به معنای «باشد»)
- ۱۴۹- **گزینیه ۲** ردیف: انداخت / واژه‌های قافیه: کمان، ناتوان
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: باز آید / واژه‌های قافیه (جناس همسان): روان (رونده و جاری)، روان (روح و جان)
- ۲) ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: «حور نهاد» یا «نهاد» (سرشت و ذات)، «نهاد» (قرار داد؛ فعل از مصدر «نهادن»)
- ۴) ردیف: دادند / واژه‌های قافیه: چین (چین و شکن زلف)، چین (کشور چین)
- ۱۵۰- **گزینیه ۲** قافیه درونی: فرسود، نگشود، بود / ردیف: از او
- ۱۵۱- **گزینیه ۱** بیت، فاقد «قافیه درونی» است. [این بیت، «ذوقافیتین» است و واژه‌های «دوخته، سوخته» قافیه‌های اصلی آن و واژه‌های «دهان، زبان» قافیه‌های دوم آن است.]
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۲) قافیه درونی: یار، عیار، خمار، کار، دستار / ردیف: ما
- ۳) قافیه درونی: تنگدستی، مستی، هستی
- ۴) قافیه درونی: خورشید، ناهید، امید / ردیف: تویی
- ۱۵۲- **گزینیه ۱** (ب) قافیه درونی: بار، تیمار، منقار / ردیف: هجر
- (ت) قافیه درونی: فضول، عقول، ملول
- (ج) قافیه درونی: نجات، مات، خوش‌صفت
- ۱۵۳- **گزینیه ۲** واژه‌های قافیه اصلی: جوید، شوید / واژه‌های قافیه دوم: تمامت، قیامت
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: مردم / واژه‌های قافیه: بی‌درد، نامرد
- ۲) ردیف: نکنم / واژه‌های قافیه: سر، مکرر
- ۴) ردیف: خراسان بابم / واژه‌های قافیه: امکان، احسان
- ۱۵۴- **گزینیه ۴** ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه (جناس همسان): کو (کوچه و محله)، کو (کجاست)
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) واژه‌های قافیه اصلی: برچند، برکنند / واژه‌های قافیه دوم: مرغکانت، کودکانت ۲) واژه‌های قافیه اصلی: خیزد، ریزد / واژه‌های قافیه دوم: قمر، شکر ۳) ردیف: یکی است / واژه‌های قافیه اصلی: معبود، مسجود / واژه‌های قافیه دوم: عابدند، ساجدند [«و» در بین دو قافیه، «حاجب» است.]
- ۱۵۵- **گزینیه ۲** واژه‌های قافیه اصلی: بدانیم، توانیم / واژه‌های قافیه دوم: یکدیگر، آر (مخفف «اگر»)
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: چه خواهد بودن / واژه‌های قافیه: کام، رام ۲) ردیف: ندارد / واژه‌های قافیه: جهان، آن ۴) ردیف: دانست / واژه‌های قافیه: نهانی، توانی
- ۱۵۶- **گزینیه ۲** ردیف: کشید / واژه‌های قافیه اصلی: در، بر (در «درکشید» و «برکشید») / واژه‌های قافیه دوم: سر، جگر
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) ردیف: شود / واژه‌های قافیه: گریان، بریان
- ۳) ردیف: شناس / واژه‌های قافیه: توانا، دانا
- ۴) ردیف: کنی / واژه‌های قافیه: پاسخ، فزخ
- ۱۵۷- **گزینیه ۲** ردیف: ـــ / واژه‌های قافیه: بهار، تبار
- بررسی سارگزینیه‌ها** ۱) واژه‌های قافیه اصلی (جناس همسان): گردم (بگردم، گردش کنم و بچرخم)، گردم (بشوم) / واژه‌های قافیه دوم: ناصبور، دور
- ۳) واژه‌های قافیه اصلی: بگشای، بنمای / واژه‌های قافیه دوم: توفیق، تحقیق
- ۴) واژه‌های قافیه اصلی: رخت، بخت / واژه‌های قافیه دوم: گران، جوان [«داری» در بین واژه‌های قافیه، «حاجب» است.]

۱۵۸- **گزینۀ ۳** ردیف: نهادیم / واژه‌های قافیه: میخانه، جانانه

پرسی سارگینه‌ها

۱) واژه‌های قافیه اصلی: کرم، نغم / واژه‌های قافیه دوم: ایوان، دیوان

۲) ردیف: او / واژه‌های قافیه اصلی: رفتار، گفتار / واژه‌های قافیه دوم: گرمی، نرَمی

۳) واژه‌های قافیه اصلی: کشیدیم، بریدیم / واژه‌های قافیه دوم: کشیدیم، بریدیم

۱۵۹- **گزینۀ ۴** ردیف: چه خواستی / واژه‌های قافیه: رعنا، زیبا / واژه‌های «ستاره» و «شکوفه» با توجه به این که به «ه = ی» ختم شده‌اند و با هیچ کدام از قواعد دوگانه قافیه منطبق نیستند، نمی‌توانند هم‌قافیه شوند؛ بنابراین بیت «ذوقایتین» نیست.

پرسی سارگینه‌ها ۱) بیت «ذوقایتین» است: واژه‌های قافیه اصلی: یارم، کارم / واژه‌های قافیه دوم: داند، خواند

۲) قافیه درونی: گشته، آغشته / ردیف: نه‌ای

۳) قافیه درونی: یار، ده‌چهار (: چهارده) / ردیف: را





۱۰۸۸- [گزیده ۴](#) ایهام تناسب: ۱) قلب: ۱- سگّه تقلّبی (معنای اصلی)
۲- قلب، دل (معنای غیراصلی؛ تناسب با «دل، دیده» ۲) روان:
۱- رایج (معنای اصلی) ۲- روح، جان (معنای غیراصلی؛ تناسب با «دل»)

بررسی سارگرنیه‌ها در سایر ابیات، «ایهام تناسب» به کار نرفته.

۱- ایهام تناسب: -

۲- ایهام: (۱) زدی: ۱- ضربه زدی، کوبیدی ۲- تابیدی (۲) پست: ۱- پست و بی‌ارزش ۲- کوتاه

۳- ایهام تناسب: -

۱۰۸۹- **گرنیه ۴** ایهام: (۱) چپ: ۱- سمت چپ ۲- لوچ، آحول، دوبین (۲) راست: ۱- سمت راست ۲- درست، سالم

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام تناسب: (۱) شکر: ۱- ماده شیرین خوراکی (معنای اصلی) ۲- معشوقه دوم خسرو (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شیرین») (۲) شیرین: ۱- مژه شیرین (معنای اصلی) ۲- معشوقه خسرو (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شکر: معشوقه دوم خسرو»)

۲- ایهام تناسب: مدام: ۱- پیوسته، مداوم (معنای اصلی) ۲- شراب (معنای غیراصولی؛ تناسب با «مست، خراب»)

۳- عود: ۱- نوعی ابزار موسیقی (معنای اصلی) «آستاره» «زهره یا ناهید» را نوازنده فلک لقب داده‌اند. ۲- نوعی چوب خوشبو (معنای غیراصولی؛ تناسب با «سوختن، مستی»)

۱۰۹۰- **گرنیه ۲** **بررسی سارگرنیه‌ها**

۱- بازی: ۱- بازی و سرگرمی ۲- باز شکاری بودن

۲- مخفی: ۱- پنهان، پوشیده ۲- تخلص شعری «زیب‌التسا»

۴- قلم کرد: ۱- به قلم تبدیل کرد، قلم ساخت ۲- قطع کرد، شکست (= قلمه کرد)

۱۰۹۱- **گرنیه ۲** اغراق در فراوانی اشک‌های خونین عاشق، که خاک اقامتگاه معشوق را همچون خون، سرخ‌رنگ می‌سازد و رودخانه‌ای از اشک خونین در آن جاری می‌کند.

۱۰۹۲- **گرنیه ۳** **بررسی سارگرنیه‌ها**

۱- اغراق در زیبایی و درایت معشوق؛ به گونه‌ای که جام جمشید، زیبایی و پرتو خود را از چهره او وام گرفته و پادشاهی کیخسرو از درایت و اندیشه او پرتو یافته.

۲- اغراق در فراوانی اشک شاعر، به گونه‌ای که از اشک‌هایش سیل جاری شده.

۴- اغراق در ناز معشوق، به گونه‌ای که برای گرفتن بوسه‌ای از او باید ملک (ثروت) جمشید را به او داد!!

۱۰۹۳- **گرنیه ۴** ایهام: شیرین: ۱- معشوقه خسرو و فرهاد ۲- شیرین، لذیذ و جذاب

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام: - ایهام تناسب: باز: ۱- دوباره، مجدداً (معنای اصلی) ۲- پرنده شکاری (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شهباز»، «مرغ»، «هَما: پرنده خوش‌بختی»)

۲- ایهام: -

۳- ایهام: -

۱۰۹۴- **گرنیه ۳** ایهام تناسب: شیرین: ۱- مژه شیرین، لذیذ و جذاب (معنای اصلی) ۲- معشوقه فرهاد (معنای غیراصولی؛ تناسب با «فرهاد»)

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام: زد: ۱- ضربه زد، کوبید ۲- بوسه زد، بوسه داد ۲- ایهام: عقده (در مصراع دوم): ۱- گرفتگی روحی ناشی از یک خواسته سرکوب‌شده و تحقق نیافته ۲- گره

۴- ایهام: قلب: ۱- دل، عضوی از بدن ۲- سگه قلبی و ناسره

۱۰۹۵- **گرنیه ۳** ایهام: روی‌نهادن: ۱- چهره‌نهادن [بر آستان]

۲- حرکت کردن آیه سوی آستان، توجه کردن

بررسی سارگرنیه‌ها در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به ترتیب، واژه‌های «بوی»، «مدام» و «چنگ» در معانی «رایحه»، «پیوسته و مداوم» و «نوعی ابزار موسیقی» به کار رفته و آرایه «ایهام» ندارند.

۱۰۹۶- **گرنیه ۴** ایهام: دستان: ۱- دست‌ها؛ مجاز از «قدرت و توانایی، پشتیبان» ۲- لقب «زال» (پدر رستم) اُمعنی مصراع دوم با هر دو معنا: ۱- چو (وقتی) او به منزله دستان (دست‌ها: قدرت و توانایی، پشتیبان) من باشد، رستم هم مغلوب من می‌شود و می‌میرد. ۲- چو (وقتی) او برای من به منزله زال دستان باشد آتا راه و چاره غلبه بر حریف را به من بیاموزد، رستم هم مغلوب من می‌شود و می‌میرد.

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام تناسب: کام: ۱- آرزو، مراد، خواسته (معنای اصلی) ۲- دهان (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دل»)

۲- ایهام تناسب: قلب: ۱- تقلبی، ناسره و ناخالص (معنای اصلی) ۲- دل، عضوی از بدن (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دل»)

۳- ایهام تناسب: هزار: ۱- عدد هزار (معنای اصلی) ۲- عندلیب، بلبل، هزارستان (معنای غیراصولی؛ تناسب با «بلبل، چمن، گل»)

۱۰۹۷- **گرنیه ۳** ایهام: اوفتاده: ۱- افتاده بر زمین ۲- خاکسار و متواضع / ایهام تناسب: مهر: ۱- مهربانی و محبت، عشق (معنای اصلی) ۲- خورشید (معنای غیراصولی؛ تناسب با «آفتاب»، «عیق: ستاره‌ای در اوج آسمان»)

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام: - ایهام تناسب: شیرین: ۱- مژه شیرین، لذیذ و جذاب (معنای اصلی) ۲- معشوقه خسرو و فرهاد (معنای غیراصولی؛ تناسب با «خسرو، فرهاد»)

۲- ایهام: - ایهام تناسب: رشته: ۱- نوعی بیماری (معنای اصلی) ۲- رشته، نخ (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دوک»)

۴- ایهام: - ایهام تناسب: کنار: ۱- ساحل (معنای اصلی) ۲- آغوش، بغل (معنای غیراصولی؛ تناسب با «آمیزش»)

۱۰۹۸- **گرنیه ۱** ایهام تناسب: چین (اُول): ۱- کشور چین (معنای اصلی) ۲- چین‌وشکن، پیچ‌وتاب (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شکن» و «چین» و «حلقه» / جناس تام (همسان): چین (اُول): کشور چین؛ چین (دوم): چین‌وشکن، پیچ‌وتاب

۱۰۹۹- **گرنیه ۳** ایهام: - اواژه «شیرین» تنها در معنای «معشوقه فرهاد» به کار رفته و «ایهام» ندارد. / کنایه: ۱- «طمع‌بردن از کسی» کنایه از «قطع امید کردن از کسی، به کسی امیدنداشتن» ۲- «عنان دل را به کسی دادن» کنایه از «عاشق و دلباخته کسی شدن» (عنان خود را به کسی دادن: کنایه از «اختیار خود را به کسی سپردن، بی‌اختیار بودن»)

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام: بو: ۱- رایحه و شمیم ۲- آرزو، امید / کنایه: «خواه‌بودن» کنایه از «علاقه‌مند بودن، دوستدار کسی یا چیزی بودن» ۲- ایهام: شیرین: ۱- مژه شیرین ۲- معشوقه فرهاد / کنایه: «لاله دمیدن از خون دیده فرهاد» کنایه از «نهایت دردمندی و خون‌گریستن فرهاد» ۴- ایهام: قلب: ۱- دل (عضوی از بدن) ۲- مرکز و میانه سپاه / کنایه: «خیال‌پختن» کنایه از «توقع و انتظار بی‌جا داشتن»، «اندیشه و فکر بی‌فایده کردن»

۱۱۰۰- **گرنیه ۲** در این بیت ۵ بار «ایهام تناسب» به کار رفته؛ به این صورت: (۱) اسب: ۱- نوعی حیوان (معنای اصلی) ۲- مهره شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «نطح، رخ، پیل، شهمات‌شدن») (۲) نطح: ۱- سفره چرمی، سطح (معنای اصلی) ۲- صفحه شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «اسب، رخ، پیل، شهمات‌شدن») (۳) رخ: ۱- چهره، صورت (معنای اصلی) ۲- مهره شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «اسب، نطح، پیل، شهمات‌شدن») (۴) پیل: ۱- فیل، نوعی حیوان (معنای اصلی) ۲- مهره شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «اسب، نطح، رخ، شهمات‌شدن») (۵) شهمات‌شدن: ۱- کنایه از «مردن» (معنای اصلی) ۲- مات‌شدن، اصطلاح شطرنج (معنای غیراصولی؛ تناسب با «اسب، رخ، نطح، پیل»)

بررسی سارگرنیه‌ها ۱- ایهام تناسب: (۱) بی‌نوا: ۱- بیچاره (معنای اصلی) ۲- بی‌آهنگ، بی‌صدا (معنای غیراصولی؛ تناسب با «ساز، شکسته (اصطلاح موسیقی، گوشه‌ای از دستگاه «شور»، «آهنگ» (۲) شکسته: ۱- شکسته و خردشده (معنای اصلی) ۲- اصطلاح موسیقایی، گوشه‌ای از دستگاه «شور» (معنای غیراصولی؛ تناسب با «بی‌نوا، ساز، آهنگ»)

۱۱۱۵- آگنیه ۳ تلمیح: اشاره به ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) / تشبیه (تشبیه بلیغ اسنادی): دل، کعبه مخفی است. / لف و نشر مشوش (نامرتب): آن (خانه کعبه) را خلیل بنا کرد و این (دل) را خدا خود ساخت. / ایهام: مخفی: ۱- پوشیده، پنهان ۲- تخلص شعری «زبالتسا»

سایر آرایه های بیت: کنایه: «طواف کردن دل» کنایه از «مورد توجه و عنایت قراردادن دل» / مراعات نظیر (تناسب): «طواف، کعبه، خدا»، «کعبه، خلیل، ساخت» / استعاره مکنیه: طواف کردن دل (دل مانند خانه کعبه طواف می شود). / واج آرای: تکرار صامت «خ» (۵ بار)

۱۱۱۶- آگنیه ۳ مراعات نظیر (تناسب): «زلف، رخ»؛ «بو، غالیه» (مادهای خوش بو) / تشخیص: ۱- نسبت دادن عمل «رفتن» و «غالیه سایی» به «باد صبا»، استعاره مکنیه و تشخیص است. ۲- نسبت دادن عمل «به جلوه گری آمدن» به «گل»، استعاره مکنیه و تشخیص است. / لف و نشر مرتب: «صبا» به بوی «زلف» به غالیه سایی می رود؛ و «گل» به بوی «رخت» به جلوه گری می آید. / ایهام: بو: ۱- رایحه و شمیم ۲- آرزو، امید **سایر آرایه های بیت:** تضاد: می روند ≠ می آیند / واج آرای (نغمه حروف): تکرار صامت «ل» (۴ بار)

۱۱۱۷- آگنیه ۴ اغراق: اغراق در «زیبایی معشوق و جذابیت و زیبایی زلف (چین و شکن زلف او)» به گونه ای که نقش های صدهزار ارتنگ چین (کتاب مصور «مانی» در برابرش بی مقدار است. / کنایه: «صدهزار ارتنگ چین را زیر یک چین از زلف داشتن» کنایه از «برتری زلف بر زیبایی صدها هزار ارتنگ چین» / تلمیح: اشاره به کتاب مصور «مانی» (نقاش چینی) با عنوان «ارتنگ» / جناس تام (همسان): چین (اول و سوم): کشور چین؛ چین (دوم): چین و شکن، پیچ و تاب

سایر آرایه های بیت: استعاره مصرحه: «نگار» استعاره مصرحه از «معشوق زیبا» / مراعات نظیر (تناسب): «لعبت، نگار»؛ «زلف، چین»؛ «یک، دو، صدهزار» (مجموعه اعداد) / جناس ناقص اختلافی: چین، چون / واج آرای (نغمه حروف): تکرار صامت های «چ» (۴ بار)، «ن» (۹ بار)، «ر» (۵ بار) و مصوت بلند «ی» (۵ بار) / تکرار: چین (۲ بار در معنای «کشور چین») **۱۱۱۸- آگنیه ۳** تشبیه فشرده (بلیغ اضافی): دهان / شاهد (مشتبه): دهان / مشتبه به: شاهد (عسل) / تضاد: رواج داده ≠ رواج بُرد / اغراق: ۱- اغراق در «جان بخشی دهان معشوق»؛ به گونه ای که آب حیات با تمام جان بخشی اش رواج و رونق خود را از دهان / شاهدگونه معشوق یافته. ۲- اغراق در «شیرینی لب معشوق»؛ به گونه ای که بازار نبات مصر را با همه معروف بودنش، از رواج و رونق انداخته. / جناس ناقص اختلافی: تو، چو

سایر آرایه های بیت: تکرار: تو (۲ بار)، رواج (۲ بار) / تلمیح: اشاره به «ماجرای آب زندگانی (آب حیات، آب حیوان) و جان بخش بودنش و نیز این که حضرت خضر (ع) به آن دست یافت و با نوشیدن از آن، عمر جاودانه یافت و ...» / واج آرای (نغمه حروف): تکرار صامت های «د» (۵ بار)، «ر» (۵ بار)، «ب» (۴ بار) و مصوت بلند «ا» (۶ بار) / تشبیه گسترده: لب چو قند (مشتبه: لب / مشتبه به: قند / ادات تشبیه: چو / وجه شبهه: شیرینی) / مراعات نظیر (تناسب): «دهان، لب»؛ «شاهد، قند، نبات»

۱۱۱۹- آگنیه ۴ کنایه: «در چه کسی افتادن» کنایه از «گرفتار شدن به دام کسی» / جناس ناقص حرکتی: چه، چه (چاه) / تلمیح: اشاره به «ماجرای افکنده شدن حضرت یوسف (ع) توسط برادرانش در چاه» / تشخیص: سخن گفتن زندان (چانه) معشوق، استعاره مکنیه و «تشخیص» است (سیب زندان تو چه می گوید ...).

سایر آرایه های بیت: تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): سیب زندان (مشتبه: زندان / مشتبه به: سیب) / استعاره مصرحه: ۱- «هزارا یوسف مصری» استعاره از «هزارا معشوق زیبارو، فرد محبوب و عزیز» [که با وجود زیابودن و معشوق بودنشان، خود شیفته و دلباخته زندان معشوق اند]. ۲- «چه» استعاره مصرحه از «چاله چانه» / مراعات نظیر (تناسب): «یوسف، چه»، «زندان (چانه)، چه»

۱۱۲۰- آگنیه ۱ تلمیح: اشاره به ماجرای دوری طولانی مدت حضرت یوسف (ع) از پدرش حضرت یعقوب (ع) و رسیدن دوباره او به نزد پدرش و اهالی کنعان پس از سال ها دوری و فراق / جناس: -

برسی سارگزین ها ۲ استعاره مکنیه: ۱- تراوش کردن اسرار عشق از دل (اسرار عشق به آب یا مایعی تشبیه شده که تراوش می کند). ۲- سینۀ دریا (دریا به انسان تشبیه شده که سینه دارد). / کنایه: «پرده پوشیدن» کنایه از «پنهان کردن و مخفی ساختن»

۲ واج آرای: تکرار صامت های «س» (۵ بار)، «ر» (۵ بار) و مصوت بلند «ا» (۸ بار) / استعاره (استعاره مصرحه): «سرو روان» استعاره از «معشوق» / ایهام: بگرفت ماه از او: ۱- موجب ماه گرفتگی شد (ماه: استعاره از «چهره زیبای معشوق») ۲- ماه، خطا عذار را - که موجب زیبایی است - از یار به وام گرفته است. / تشبیه (تشبیه بلیغ اسنادی): خطا عذار یار، حلقه ای خوش است.

۱۱۲۱- آگنیه ۱ خاک: مجاز از «سرزمین، زمین» (به علاقه جزئیته) / سیرافکندن گل نیلوفر بر آب: استعاره مکنیه و «تشخیص»

برسی سارگزین ها ۲ اغراق: اغراق در بسیاری اشک های شاعر به گونه ای که شاعر می تواند در آن غسل بگیرد!!

۲ متناقض نما (پارادوکس): بحر آتشین **۴** لف و نشر مرتب: به ماهی، نم خون فرورفت؛ و بر ماه، گرد بررفت (بالا رفت).

۱۱۲۲- آگنیه ۲ تشخیص: نسبت دادن عمل «آباد کردن» به «لطف»، استعاره مکنیه و تشخیص است. / متناقض نما (پارادوکس): -

برسی سارگزین ها ۱ استعاره: «لعل» استعاره مصرحه از «لب» / تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): باده لعل (مشتبه: باده (می) / مشتبه به: لعل)

۲ ایهام تناسب: مدام: ۱- پیوسته و مداوم (معنای اصلی) ۲- شراب، می (معنای غیراصولی؛ تناسب با «باده» / تضاد: خشک ≠ تر

۴ تشبیه (تشبیه بلیغ اسنادی و غیراضافی): ۱- قامت طوبی (درختی بهشتی)، سایه ای از قدش است. (مشتبه: طوبی / مشتبه به: سایه) ۲- سدره (درختی بهشتی)، پایه ای از کاخ شرف اوست. (مشتبه: سدره / مشتبه به: پایه) / تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): کاخ شرف (مشتبه: شرف / مشتبه به: کاخ) / جناس ناقص اختلافی: سایه، پایه

۱۱۲۳- آگنیه ۳ لف و نشر مرتب: روی تو چون روز عید [است] و موی تو چون شب عید [است]. / ایهام: [در این بیت، «ایهام تناسب» به کار رفته: «قربان»: ۱- قربانی و فدا شده (معنای اصلی) ۲- عید قربان (معنای غیراصولی؛ تناسب با «عید»)]

برسی سارگزین ها ۱ مجاز: «خدنگ» مجاز از «تیر ساخته شده از چوب درخت خدنگ» / تشبیه: «مژگان» معشوق با تشبیه نهفته به «خدنگ» تشبیه شده.

۲ تلمیح: اشاره دارد به عهد الست و میثاق خداوند با فرشتگان در روز ازل [خداوند به فرشتگان فرمود: «آلستُ بَرِّکُم؟! قالوا بلی: آیا پروردگار شما نیست؟! همه گفتند: بلی ...»] / مراعات نظیر (تناسب): «جرعه نوش، رند، خمار، مستی، می»

۴ متناقض نما: با توایم و با تو نه اییم (با کسی بودن و در عین حال، با او نبودن، بیانی متناقض نماست). / جناس تام: حلقه (اول): حلقه گرد همایی یاران و دوستان؛ حلقه (دوم): حلقه آویز در - که با آن، در را به صدا درمی آورند و در می زنند -.

۱۱۲۴- آگنیه ۳ موازنه: کلمات دو مصراع، دو به دو دارای «سجع متوازن» و یا «سجع متوازی» اند (هوا، جفای: سجع متوازی / سرو، جان: سجع متوازن / راستین، نازنین: سجع متوازی). / ایهام: هوا: ۱- جریان هوا ۲- آرزو، امید، میل و اشتیاق

پرسی سارگینه‌ها ۱ ایهام: / مراعات نظیر (تناسب): «غم، حسرت»، «گل، بلبل»، «درخت، بر» ابیت دارای «ایهام تناسب» است: «بر: ۱- کنار، آغوش، بغل (معنای اصلی) ۲- میوه، محصول، ثمره و بار (معنای غیراصلی؛ تناسب با «درخت»)»

۲ استعاره مصرّحه (استعاره با ذکر مشبّه‌به): / واج آرایی: تکرار صامت‌های «ب» (۵ بار)، «د» (۱۰ بار)، «ر» (۶ بار) [نسبت دادن «خندیدن» به گل و نیز نسبت دادن «خندان بودن» به پسته، استعاره مکنّیه (استعاره با ذکر مشبّه) و «تشخیص» است.]

۳ ایهام تناسب: / کنایه: «خیال چیزی پختن» کنایه از «در فکر چیزی بودن، قصد کردن برای کاری» ابیت دارای «ایهام» است: «قلب: ۱- دل ۲- مرکز و میانه سپاه»

۱۱۲۵- گزینیه ۲ متناقض نما (پارادوکس): سود بودن زبان (در مصراع دوم) / لف و نشر: [شاعر می‌گوید: من جهان را که پر از سود و زبان است، به مردم واگذار کردم (خلق خدا با بازار جهان خوش باشند) و خودم با بازار محبت و عشق همراه می‌شوم که همه زبان آن، عین سود است.]

پرسی سارگینه‌ها ۱ تضاد: فقر ≠ غنا (ثروت و بی‌نیازی) / اشتقاق: «برگذری، بگذرد»، «نگری، نگر»

۲ تکرار: زیبا، خطا/ جناس تام: که (اؤل): چه کسی (ضمیر پرسشی)؛ که (دوم): حرف ربط

۳ ایهام تناسب: محمود: ۱- پسندیده و مطلوب، ستوده شده (معنای اصلی) ۲- محمود غزنوی (معنای غیراصلی؛ تناسب با «ایاز») / تلمیح: اشاره به «ماجرای محمود و ایاز»

۱۱۲۶- گزینیه ۴ تشخیص: اشک ریختن شمع، استعاره مکنّیه و «تشخیص» است. / تناقض (متناقض نما): [مصراع اؤل، «متناقض نما» ندارد. شاعر می‌گوید: «گمان نکن که گریه به منزله آبی برای خاموش کردن آتش عشق من خواهد بود ...»]

پرسی سارگینه‌ها ۱ اغراق: اغراق در بسیاری اشک‌های شاعر به گونه‌ای که رودی همچون رود جیحون از اشک‌هایش جاری شده. / ایهام تناسب: رود: ۱- پسر، فرزند پسر (معنای اصلی) ۲- رودخانه (معنای غیراصلی؛ تناسب با «رود جیحون»)

۲ مجاز به علاقه مشابّهت (استعاره): «خراب» استعاره مصرّحه از «دل ویران» / مراعات نظیر (تناسب): «ویران، خراب، گنج»

۳ ایهام: سرگرم: ۱- مشغول و سرگرم ۲- گرم شدن سر از نوشیدن باده عشق، مستی و مدهوشی / تضاد: خار ≠ ریحانه (گل)

۱۱۲۷- گزینیه ۱ ایهام تناسب: / تشخیص: خسبیدن (خواهیدن) زلف ابیت دارای ۲ «ایهام» است: (۱) کنار: ۱- نزد، جوار ۲- آغوش، بغل (۲) پریشان: ۱- آشفته و نامرتب، مجعد و درهم ۲- نگران و مضطرب

پرسی سارگینه‌ها ۲ کنایه «گوی خوبی بردن از کسی» کنایه از «در خوبی از کسی پیش افتادن» (گوی بردن از کسی: کنایه از «سبقت گرفتن و پیش افتادن از کسی») / جناس تام (همسان): که (اؤل): چه کسی (ضمیر پرسشی)؛ که (دوم): حرف ربط

۳ تضاد: بهار ≠ خزان / استعاره: «صحرا» استعاره مصرّحه از «دنیا» [می‌توان «خس و خار» را نیز استعاره مصرّحه از «انسان‌ها و آدمیان» دانست.]

۴ تلمیح: اشاره به داستان «حضرت یوسف علیّه السلام» و دوری‌اش از حضرت یعقوب علیّه السلام و نابیناشدن حضرت یعقوب علیّه السلام در فراق وی و ماجرای یوسف علیّه السلام با زلیخا و ... / ایهام تناسب: نور دیده: ۱- کنایه از «عزیز و گرامی» (معنای اصلی) ۲- نور و سویی چشم (معنای غیراصلی؛ تناسب با «پیر کنعان = حضرت یعقوب علیّه السلام»)

۱۱۲۸- گزینیه ۱ مراعات نظیر (تناسب): «تاجر، متاع، نقد، خریدن» / ایهام تناسب: ابیت دارای «ایهام» است: سودا: ۱- داد و ستد ۲- میل و اشتیاق، هوس، عشق

پرسی سارگینه‌ها ۲ لف و نشر مشوّش: مهرورزان را شامی همچو شام طرّه (زلف) تو نباشد؛ و مهرورزان را صبحی همچو صبح بناگوش (بناگوش همچو صبحت) نباشد. / استعاره مصرّحه: «مه» استعاره مصرّحه از «معشوق»

۳ اغراق: اغراق در «بلندی صدای فریاد و فغان شاعر»؛ به گونه‌ای که گوش فلک را کر کرده و گوش فلک دیگر قادر به شنیدن صدای فریاد کسی نیست!!! / جناس ناقص: «افغان، فغان» (جناس ناقص افزایشی)؛ «پس، کس» (جناس ناقص اختلافی)

۴ تشخیص: خوابیدن خاک / متناقض نما: سایه خورشید (این که «خورشید» که منبع نور است «سایه» داشته باشد - با توجه به این که «خورشید» (نور) و «سایه» دو مفهوم متضادند - متناقض‌نماست.)

۱۱۲۹- گزینیه ۲ کنایه: «دل بردن» کنایه از «عاشق و شیفته ساختن» / ایهام: دستان: ۱- دست‌ها ۲- حيله و نیرنگ، حقه

پرسی سارگینه‌ها ۱ متناقض نما (پارادوکس): [اواژه «نیک» به معنای «بسیار، سخت» است و قرار گرفتن آن در کنار واژه «بد» در ترکیب «نیک بد کردی»، متناقض نما (پارادوکس) ایجاد نمی‌کند.] / تضاد: بد ≠ نیک (در مصراع دوم)

۳ لف و نشر: [شاعر در مصراع اؤل، ۴ صفت و در مصراع دوم نیز ۴ صفت درباره ممدوح خود ذکر کرده و صفات مذکور در دو مصراع، با یکدیگر هیچ گونه ارتباطی که منجر به «لف و نشر» شود ندارند. / تکرار: «قوی» (۴ بار)، «و» (۶ بار) و «جهان» (۴ بار)

۴ موازنه: - آیین واژه‌های «قدری» و «تمکینی» هیچ نوع سجعی برقرار نیست؛ بنابراین اگرچه بین سایر واژه‌های دو مصراع، دویه دو سجع متوازن و متوازی برقرار است، بیت «موازنه» ندارد. / اغراق: ۱- اغراق در «خوش بویی و معطر بودن زلف معشوق» (در مصراع اؤل)؛ به گونه‌ای که مُشک با تمام خوشبویی‌اش، در برابر آن بی‌ارزش است. ۲- اغراق در «زیبایی و درخشندگی روی (چهره) معشوق»؛ به گونه‌ای که ماه با تمام زیبایی‌اش، در برابر آن تمکین و ارزشی ندارد.

۱۱۳۰- گزینیه ۱ بیت «الف»: ایهام: قانون: ۱- اصل و قاعده ۲- کتابی در زمینه طب از بوعلی سینا / بیت «ب»: تشبیه بلیغ اضافی: جام لاله (مشبّه: لاله / مشبّه‌به: جام) / تشبیه بلیغ اسنادی و غیراضافی: ۱- شبنم، راج ریحانی [است]. (مشبّه: شبنم / مشبّه‌به: راج ریحانی) ۲- ابر نیسانی، ساقی [است]. (مشبّه: ابر نیسانی / مشبّه‌به: ساقی) / بیت «پ»: اغراق: اغراق در «زیبایی و معنویت سیمای معشوق»؛ به گونه‌ای که روز و شب، محو سیمای او هستند. / بیت «ت»: تضاد: باقی ≠ فانی

۱۱۳۱- گزینیه ۳ بیت «الف»: متناقض نما (پارادوکس): حاصل بی‌حاصل (حاصل بودن بی‌حاصلی) / بیت «ب»: لف و نشر: چهره زرد من، زر (طلا) است، آن را ببوشان؛ و روی خودت، سیم (نقره) است؛ آن را نیز ببوشان. / بیت «پ»: جناس تام: آب (اؤل): آب، مایع نوشیدنی؛ آب (دوم): رونق، آبرو / بیت «ت»: «مجلس» مجاز از «اهل مجلس، حاضران در مجلس» [البته «سوز» و «دل» نیز می‌توانند به ترتیب، مجاز از «عشق» و «کل وجود» باشند.] / بیت «ث»: ایهام: هزار: ۱- هزارستان، عندلیب، بلبل ۲- عدد هزار

۱۱۳۲- گزینیه ۲ بیت «الف»: کنایه: ۱- «آب از سر گذشتن» کنایه از «بی‌فایده بودن تلاش برای جلوگیری از چیزی، خود را به دست حوادث سپردن» ۲- «دست و پا زدن» کنایه از «تلاش و کوشش کردن» / بیت «ب»: تلمیح: اشاره به «ماجرای دشمنی برادران کینه‌توز یوسف علیّه السلام با وی و این که به دروغ به پدرشان یعقوب گفتند که یوسف را گرگ دریده ...» / بیت «پ»: تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): بارِ سر (مشبّه: سر / مشبّه‌به: بار) / بیت «ت»: ایهام تناسب: (۱) شور: ۱- شور و هیجان، غوغا و اضطراب (معنای اصلی) ۲- مرّه شور (معنای غیراصلی؛ تناسب با «تلخی، شیرین») (۲) خسرو: ۱- پادشاه (معنای اصلی)

۲- خسرو پرویز؛ عاشق و دل‌باخته شیرین (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شیرین» (۳) شیرین: ۱- مرّه شیرین (معنای اصلی) ۲- معشوقه خسرو (معنای غیراصولی؛ تناسب با «خسرو») بیت «ث»: اغراق؛ اغراق در آرزوگی و داغداری عاشق؛ به گونه‌ای که با فشردن بدن خفته در خاک او در روز حشر، خون دلش جاری می‌شود.

۱۱۳۳- **گزینیه ۴** بیت «الف»: تشبیه (تشبیه بلیغ اضافی): ۱- لباس صبر (مشبه: صبر / مشبه‌به: لباس) ۲- کوی عافیت (مشبه: عافیت / مشبه‌به: کوی) بیت «ب»: لف و نشر مرتب: «لعل» حلقه به گوش (: مطیع) لب توست: و «گهر» حلقه به گوش دندان توست. بیت «پ»: ایهام: دور از تو: ۱- در دوری از تو ۲- از تو دور باد (جمله دعایی) بیت «ت»: تشخیص: نسبت‌دادن «ایمان برگرفتن، کافرکیش بودن، برشکستن صف عقل و برگرفتن عالم جان» به «زلف»، استعاره مکنیه و «تشخیص» است. بیت «ث»: موازنه: کلمات دو مصراع، دو به دو با هم «سجع متوازن» و یا «سجع متوازی» دارند. (شمع، مرغ: سجع متوازن / دل، جان: سجع متوازن / شب، گه: سجع متوازن / هجران، سودای: سجع متوازن / سر، پر: سجع متوازی) ۱۱۳۴- **گزینیه ۴** بیت «الف»: ایهام: (۱) عشاق: ۱- عاشقان ۲- پرده موسیقی (۲) نوا: ۱- صدا، نغمه، آواز ۲- یکی از دستگاه‌های موسیقی بیت «ب»: لف و نشر مرتب: به خادم خلوت‌گه انس بگو که بی لب لعل تو صراحی نهد و بی‌رخ تو شمع می‌فروزد (لب لعل تو صراحی (: ظرف شراب) و رخ تو شمع است) بیت «پ»: اغراق؛ اغراق در زیبایی چهره معشوق که مردم را با دیدنش به شک و گمان می‌اندازد تا تصور کنند که گویی ماه پدیدار شده. بیت «ت»: موازنه: کلمات دو مصراع، دو به دو با هم «سجع متوازن» و «سجع متوازی» دارند. (عشق، کیش: سجع متوازن / بتان، مغان: سجع متوازی / نهی، کفر: سجع متوازن / ملت، مذهب: سجع متوازن / مشتاقان، دینداران: سجع متوازی) بیت «ث»: مجاز: «سر» مجاز از «اندیشه، قصد، تصمیم، نیت»

۱۱۳۵- **گزینیه ۱** بیت «الف»: تناقض (متناقض‌نما): این که «جای مستان، گوشه محراب باشد»، متناقض‌نماست. بیت «ب»: ایهام تناسب: قدر: ۱- اندازه و مقدار (معنای اصلی) ۲- تقدیر و سرنوشت (معنای غیراصولی؛ تناسب با «قضا») بیت «پ»: ایهام: سنگین: ۱- دارای وزن زیاد (سبک) ۲- ساخته‌شده از سنگ / بیت «ت»: استعاره: «منادا و مورد خطاب واقع‌شدن شیراز» (ای شیراز)، استعاره مکنیه و تشخیص است. ۱۱۳۶- **گزینیه ۲** بیت «الف»: استعاره: ۱- «آهوی نیم‌کشته» استعاره مصرّحه از «دل» ۲- کمند (در مصراع دوم): استعاره مصرّحه از «زلف» بیت «ب»: متناقض‌نما: مجموع پریشان (این که شاعر در عین مجموع بودن (جمعیت و آسودگی خاطر داشتن) پریشان هم باشد، متناقض‌نماست).

۱۱۳۷- **گزینیه ۴** بیت «الف»: اغراق؛ اغراق در «زیبایی، جذابیت و دلبری معشوق»؛ به گونه‌ای که حتی شیطان را هم که مظهر فریبندگی است اسیر و فریفته خود می‌سازد. (= دست شیطان را هم از پشت بسته!!) بیت «ب»: تضاد: «بیگانه ≠ آشنا» تازه (جدید) ≠ دیرین (قدیمی) / بیت «پ»: تشبیه: تشبیه «زلف خم اندر خم معشوق» به چنبر (: حلقه) و نیز تشبیه «رخ معشوق» به «خورشید عنبربوی» [شاعر در قالب آرایه «لف و نشر مرتب» به ترتیب «زلف» و «چهره» معشوق را به «حلقه» و «خورشید» تشبیه کرده است. / معنای بیت: «از وقتی که زلف خم اندر خم خود را بر رخت افشاندی، گویی خورشید را اسیر حلقه و چنبر ساختی.» / بیت «ت»: ایهام: نگون باد: ۱- خمیده باد آبه نشانه تعظیم. ۲- سرنگون و نابود باد. بیت «ث»: تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت سلیمان علیه السلام با موران»

۱۱۳۸- **گزینیه ۳** بیت «الف»: اغراق؛ اغراق در ناشکیبایی شاعر عاشق از دوری معشوق، به گونه‌ای که هزاران بار خواندن کتاب صبر و شکیبایی هم برایش بی‌فایده است. بیت «ب»: «دست» مجاز از «کف دست، پنجه دست» / بیت «پ»: اشتقاق: دیدن، دیده / بیت «ت»: ایهام: پرده:

۱- حجاب، پوشش ۲- پرده موسیقی / بیت «ث»: تلمیح: اشاره به حدیث «الدُّنْیا مَرَعَةُ الْأَخْرة: دنیا کشتگاه آخرت است.» / بیت «ج»: تضمین: مصراع دوم، از «سعدی» است که حافظ آن را در این بیت خود تضمین کرده است. ۱۱۳۹- **گزینیه ۴** بیت «الف»: کنایه: «چشم و چراغ کسی بودن» کنایه از «عزیز و محترم بودن نزد کسی» / بیت «ب»: ایهام: مهر: ۱- مهریانی و محبت، عشق ۲- خورشید / بیت «پ»: تشبیه (تشبیه بلیغ اسنادی): ۱- خورشیدی (مشبه: تو / مشبه‌به: خورشید) ۲- شب روز نماید (شب مانند روز می‌شود ...) / بیت «ت»: متناقض‌نما: زمین‌بوس بودن در عین فرمانروایی (این که زمین‌بوس آستان کسی باشی و در عین حال، سر همه ملوک جهان بر درگاه تو باشد (همه مطیع تو باشند) متناقض‌نماست.) / بیت «ث»: اغراق: ۱- اغراق در «شیرینی دهان معشوق»؛ به گونه‌ای که بازار شکر را کساد می‌کند: ۲- اغراق در «زیبایی و راست‌قامتی معشوق»؛ به گونه‌ای که حرکت و رفتار موجب خجلت‌زدگی و شرمندگی سرو خوش‌رفتار می‌شود. / بیت «ج»: مراعات‌نظیر: ساز، پرده، نوا ادر واژه «پرده» (دوم) نیز «ایهام» وجود دارد: ۱- حجاب و ۲- پوشش پرده موسیقی]

۱۱۴۰- **گزینیه ۲** بیت «الف»: ایهام: (۱) دل‌سیه: ۱- سیاه‌دل و بی‌رحم ۲- دارای مردمک سیاه (۲) نگاه ندارد: ۱- نگاه نمی‌کند ۲- حفظ نمی‌کند. / بیت «ت»: ایهام: شیرین: ۱- معشوقه فرهاد ۲- مرّه شیرین، لذیذ و جذاب

بررسی سارایات بیت «ب»: ایهام تناسب: مدام: ۱- پیوسته و مداوم (معنای اصلی) ۲- شراب (معنای غیراصولی؛ تناسب با «پیاله، شرب») / بیت «پ»: ایهام تناسب: قدر: ۱- مقدار، اندازه (معنای اصلی) ۲- تقدیر و سرنوشت مقدرشده (معنای غیراصولی؛ تناسب با «قضا»)

۱۱۴۱- **گزینیه ۲** ایهام: بیت «ب»: بو: ۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو، امید / بیت «ت»: رود: ۱- رودخانه ۲- نوعی ابزار موسیقی / بیت «ث»: مهر: ۱- مهریانی و محبت، عشق ۲- خورشید / بیت «الف»: (۱) چنگ: ۱- نوعی ابزار موسیقی (معنای اصلی) ۲- پنجه دست (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دست» (۲) قانون: ۱- اصل و قاعده و قانون (معنای اصلی) ۲- نوعی ابزار موسیقی (معنای غیراصولی؛ تناسب با «چنگ»، «دف» و «ساز») / بیت «پ»: پروانه: ۱- اجازه، رخصت (معنای اصلی) ۲- نوعی حشره (معنای غیراصولی؛ تناسب با «شمع») / بیت «ج»: صبر: ۱- صبر و شکیبایی (معنای اصلی) ۲- گیاهی با میوه بسیار تلخ (معنای غیراصولی؛ تناسب با «تلخ، تلخی، شکر»)

۱۱۴۲- **گزینیه ۲** بیت «ت»: استعاره: - / تلمیح: اشاره به «زندگانی‌بخش بودن آب حیوان (آب حیات) که حضرت خضر علیه السلام با نوشیدن از آن، عمر جاودانه یافت و اسکندر در پی رسیدن به آن، به ظلمات رفت و به آن دست نیافت.»

بررسی سارایات بیت «الف»: کنایه: ۱- «تردامن» کنایه از «گناهکار» ۲- «نقش بر آب زدن» کنایه از «کار بیهوده کردن (بیهوده‌گریستن)» / اغراق: اغراق در «بسیاری اشک‌های خونین عاشق»؛ به گونه‌ای که خاک کوی معشوق را رنگین می‌سازد. / بیت «ب»: مراعات‌نظیر (تناسب): «بو، سمن»، «چمن، سرو، سمن» / ایهام: بو (دوم): ۱- رایحه و شمیم ۲- آرزو، امید / بیت «پ»: لف و نشر مشوش (نامرتب): زلفت، ریحان ماست؛ با وجود آن بر ریحان نظر نمی‌اندازم؛ و رخسارت، گل ماست؛ با وجود آن بر گل نظر نمی‌اندازم. / تشبیه (تشبیه بلیغ اسنادی): ۱- زلفت ریحان است. ۲- رخسارت گل است. / بیت «ث»: تضمین: مصراع اول این بیت، مثلی بوده که قبل از «سعدی» هم رواج داشته و سعدی در این بیت خود، آن را تضمین کرده. / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «د» (۷ بار)، «ن» (۴ بار) / بیت «ج»: تضاد: نهان ≠ عیان (آشکار) / ایهام تناسب: (۱) پرده: ۱- حجاب، پوشش (معنای اصلی) ۲- پرده موسیقی (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دف و چنگ» (۲) چنگ: ۱- نوعی ابزار موسیقی (معنای اصلی) ۲- پنجه دست (معنای غیراصولی؛ تناسب با «دل»)



۱۱۴۳- [گزیده ۴] بیت «الف»: مجاز: «جام» مجاز از «شراب، می» / اشتقاق: جوش، نجوشم / بیت «ب»: متناقض‌نما: بحر آتشین / اغراق: این که هر قطره شبنم، به اندازه صد دریای آتشین باشد، اغراق است. / بیت «ث»: جناس ناقص: جلیل، خلیل / موازنه: کلمات دو مصراع، دو به دو با هم «سجع متوازن» و «سجع متوازی» دارند. (ای، وی: سجع متوازی / ذات، نام: سجع متوازن / مُلک، زنده: سجع متوازن / جلیل، خلیل: سجع متوازی)

[بررسی سایر ابیات] بیت «پ»: استعاره: «ماه» استعاره مصرّحه از «معشوق» / ایهام: - [بیت «ایهام تناسب» دارد: ماه: ۱- استعاره مصرّحه از «معشوق» (معنای اصلی) ۲- ماه آسمان (معنای غیراصلی؛ تناسب با «خورشید، مه، زهره»] / بیت «ت»: تشبیه: گوهرشناسان راز، صدف‌وار دهان جز به لؤلؤ باز نکردند. (مشبّه: گوهرشناسان راز / مشبّه‌به: صدف / ادات تشبیه: وار / وجه‌شبه: دهان جز به لؤلؤ باز نکردن / کنایه: «دهان باز نکردن» کنایه از «سخن‌نگفتن» [لؤلؤ: استعاره مصرّحه از «سخنان ارزشمند و گرانبها»] / بیت «ج»: واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «د» (۸ بار)، «ر» (۷ بار)، «ن» (۶ بار) / تضاد: - [بیت «متناقض‌نما» دارد: «در گدایی، گنج سلطانی به دست داشتن»، متناقض‌نماست. / بیت «ح»: تلمیح: اشاره به «ماجرای نبرد اسکندر با دارا (داریوش سوم)» / ایهام تناسب: - [بیت «ایهام» دارد: «دارا: ۱- داریوش سوم ۲- ثروتمند، دارا و توانمند»]

